

جنبش بازنشستگان، ویژگی ها و دستاوردها

یاشار سهندی، صفحه ۱۳



۲۵ تیر: تجمعات پر شمار و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی

در شوش خانواده ها نیز شرکت کردند، صفحه ۱۰

در هفت تپه چه میگذرد؟

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی خط رفاه، صفحه ۲

مشت های کارمندی را باید محکمتر بر سرشان فرود آورد و جارویشان کرد!

سیما منصوری، صفحه ۵

تجمع کارگران شهرداری بهبهان، دیدار فعالین با خانواده واله زمانی کارگر

زندانی و اعتراضات پرستاران در کرمانشاه

صفحه ۷

پیروزی بزرگ جنبش دادخواهی، حمید نوری به حبس ابد محکوم شد

صفحه ۱۱

۲۶ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در سه شهر شوش، اراک و کرمانشاه

تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه، صفحه ۹

خطر مرگ واله را تهدید میکند

هشدار صابر زمانی برادر واله زمانی فعال کارگری زندانی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۷

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۶

۲۷ تیر ۱۴۰۱

۱۸ ژوئیه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ تیر روز دور انداختن

سراسری حجاب

صفحه ۱۲

اخباری از اعتراضات

بازنشستگان تامین اجتماعی و

مخابرات

برگرفته از اطلاعیه های حزب

کمونیست کارگری

صفحه ۸

تجمعات کارگران مخابرات،

اعتصاب کارگران پتروشیمی

تبریز و دو خبر دیگر

صفحه ۹

۲۰ نفر از کارگران

اعتصابی مس سونگون دستگیر

شدند

کمیته آذربایجان حزب

کمونیست کارگری، صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

صفحات ۱۴-۱۶



در هفت تپه چه میگذرد؟

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی خط رفاه

حسن صالحی: در برنامه این هفته خط رفاه میخوانیم در مورد نیشکر هفت تپه صحبت کنیم و اینکه یکسال بعد از خلع ید از باند مافیایی اسد بیگی در این مجتمع کارگری چه میگذرد. خواست کارگران این بود که به مالکیت چپاولگران بخش خصوصی در نیشکر هفت تپه پایان داده شود. بعد از خلع ید از اسد بیگی همانطور که همه میدانیم این شرکت به هفت طرح واگذار شد. قرار بود که دولت در طول سه ماه تصمیم نهایی در مورد قطعی کردن وضع مالکیت نیشکر هفت تپه را اعلام کند و الان زمان زیادی میگذرد و این واگذاری قطعی نشده است. بطوریکه الان دوباره صحبت از سپردن بخش هایی از نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی و واگذاری آنها به مالکین قبلی است. شهلا دانشفر هم اکنون در هفت تپه چه میگذرد؟ رژیم میگوید که بعد از خلع ید از اسد بیگی یک آرامش نسبی در آنجا بوجود آمده و کار خودش را موفق ارزیابی میکند. ماجرا از چه قرار است؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید در مهر ماه ۱۴۰۰ بود که نیشکر هفت تپه به هفت طرح واگذار شد و قرار شد که ظرف سه ماه این واگذاری قطعی پیدا کند. اما خبری نشد. قرار بود در این رابطه با حضور مقامات مختلف حکومتی دست اندر کار جلسه ای تشکیل بشود و این جلسه هم برگزار نشده است. و این دست به دست کردن یک موضوع اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه است. کارگران نیشکر هفت تپه خواسته بودند که در مورد این واگذاری شفاف سازی شود. و چیزی پشت پرده باقی نماند. اما هنوز چیزی روشن نیست که چه اتفاقی افتاده است. یکسال گذشته است. طبعاً آنچه که تا همین جا اتفاق افتاده نه موقفیتی برای حکومت بوده است و نه آرامشی به این مجتمع برگشته است. بلکه در برابر اعتراضات قدرتمند کارگران حکومت ناگزیر به عقب نشینی هایی شد. به این معنا که کارگران حکومت را آنچنان زیر فشار قرار دادند و بیخ دیوار گذاشتند که مجبور شد از اسد بیگی خلع ید کند. در

خلع ید مشغول فروختن زمین های هفت تپه و اجاره دادن آنها و فروش اموال شرکت کردند. اما کارگران با قدرت مقابل آن ایستادند تا جاییکه اسد بیگی را از شرکت بیرون انداختند. الان هم کارگران نیشکر هفت تپه با هوشیاری این موضوع را دنبال میکنند. در همین روزهای اخیر تعدادی از نمایندگان آنها برای مذاکره با مقامات دولتی دست اندرکار به تهران رفتند و با اعلام اعتراض خود به این موضوع اخطار خود را دادند. بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت مقابل توطئه گری هایی که در جریان است ایستاده و اولتیماتوم داده اند که اگر کارخانه رب گوجه و ام دی اف از هفت تپه جدا شوند، اگر جلسه قطعیت دادن به واگذاری هفت تپه برگزار نشود و تصمیم گیری نهایی اعلام نگردد و اگر مدیران دزد و چپاولگر که پشت این ماجرا ها هستند کنار گذاشته نشوند، باز تجمعات و اعتصاباتشان را از سر خواهند گرفت. به این ترتیب کارگران مترصد هستند و صف خود را آماده کرده اند و طبعاً ما شاهد اعتراضات گسترده در این مجتمع کارگری خواهیم بود. در عین حال همان کشاکش ها و تلاشهای باندهای حکومتی در درون هفت تپه را شاهدیم. در برابر اینگونه تلاشها و تفرقه افکنی ها نیز کارگران ایستاده و صف بندی های خودشان را روشن کرده اند.

حسن صالحی: قبل از هر چیز خواستم سوال کنم که این شرکت توسعه صنایع جانبی هفت تپه (هفت طرح) آیا متعلق به دولت است؟

شهلا دانشفر: شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی یا هفت طرح شرکتی دولتی است. کارگران میگویند دلیل اینکه به هفت طرح رضایت دادیم اینست که این شرکت از دست مالکیت خصوصی بیرون بیاید. و در عین حال هفت طرح متخصص در امور صنعت نیشکر بود و

وضعیت کارگران در شرکت های تابعه آن نیز بهتر از هفت تپه بوده است. ولی این کارگران بر نظارت شورایی خود در اداره شرکت همواره تاکید کرده اند. و الان می بینیم که ناصری رئیس هفت طرح دارد در برابر خواستهای کارگران سنگ اندازی میکند. پشت پرده زد و بندهایی برای تجزیه هفت تپه در جریان است و کارگران به آن اعتراض دارند. کارگران اعلام کرده اند که همانطور که با اسد بیگی درگیر شدند و اجازه ندادند به توطئه گری هایش ادامه دهد جلوی او هم خواهند ایستاد و اجازه نمیدهند که دست عوامل دزد و اختلاسگر را توی این کارخانه باز و مجتمع هفت تپه را تجزیه کند.

حسن صالحی: وقتی صحبت های اینها را گوش می‌دهیم. مثلاً نماینده شوش و نمایندگان مجلس وغیره خیلی واضح است که از سر گرفتن دوباره اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بشدت میترسند. به یکدیگر هشدار میدهند که این کار را نکنیم که موجبات اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دوباره فراهم شود. شما از طرح کوچک کردن نیشکر هفت تپه صحبت کردید. هفت تپه نزدیک به ۵ هزار کارگر را در بر میگیرد. طرح تجزیه نیشکر هفت تپه چقدر جدی است؟

شهلا دانشفر: برای حکومت جدی است. ولی توان آن را ندارد. خاطراتان هست که قبل از خلع ید از اسد بیگی، بخشی از زمین های کشاورزی را سعی کردند بفرشند و یا به کرایه بدهند ولی کارگران با اعتراضاتشان همه طرحهایشان را به هم ریختند. الان حکومتیان دارند دوباره شانسان را آزمایش میکنند. همانطور که اشاره کردم تجزیه هفت تپه برای حکومت یک استراتژی است برای



در حال شکل گیری هست و شروع شده است. اخبار بیشتر چیست؟

شهلا دانشفر: مشاهده شما کاملا درست است. کارگران رب گوجه در اعتراض به جداسازی این شرکت و واگذاری آن به مالک قبلی تجمع داشتند. اما مساله فراتر از این است و کل کارگران نیشکر هفت تپه به این سیاست اعتراض دارند. این کارگران گفته اند که تجزیه نیشکر هفت تپه به همه مردم شوش مربوط است. به چندین شهر در استان خوزستان مربوط است و به کل جنبش کارگری مربوط است و اگر خواستهایی که ما اعلام کرده ایم اجرایی نشود و جلوی اجرای طرح جداسازی آن دو شرکت گرفته نشود، اگر در مورد چگونگی واگذاری این مجتمع به هفت طرح شفاف سازی نشود و این موضوع رسمیت نیابد و اگر دیگر مطالباتشان پاسخ نگیرد اعتصاب و تجمعات بزرگ خود را به راه خواهند انداخت. در همین راستا کارگران نیشکر هفت تپه از همین الان به مردم شوش و به همه فراخوان داده اند و گفته اند که اگر تجمعات برگزار شد به ما بپیوندید و از ما حمایت کنید. خیلی جالب است که با چنین تدارکی این کارگران مقابل تعرض حکومتیان ایستاده و اولتیماتوم به از سر گیری اعتراضاتشان داده اند. یک نکته اینست که اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه پیچیدگی های خودش را دارد. با داغ شدن این موضوعات برخی ناباوری ها که قبلا در میان کسانی در مورد مبارزات این کارگران وجود داشت دوباره به زبان می آید. از جمله گفته میشود که اعتراضات این کارگران دنبال جناحهای حکومتی است. دست عدالتخواهان در کار است و غیره. پاسخ این بحث ها و یا نگرانی ها را کارگران نیشکر هفت تپه داده اند. در عین حال این موضوع برای ما هم مهم است. ما به تشبثات افرادی که تحت عنوان عدالتخواه موش میدوانند و یا

خواستند قدرت هفت تپه را مصادره کند که نتوانستند. اما نفوذ کردند. ما هرگز عقب ننشستیم و برای بقای هفت تپه می جنگیم. اما ما را دوره کرده اند. اسد بیگی ها هفت تپه را تجزیه میکنند و عدالتخواهان دارند اتحاد کارگری را".

بدین ترتیب می بینیم هم اسماعیل بخشی، هم ابراهیم عباسی منجری و هم پیامهایی که کارگران این شرکت انتشار میدهند نسبت به این تشبثات هوشیارند و به اشکال مختلف نسبت به عواقب آن هشدار میدهند. و این مهم است که در این مقطع که دوباره چنین تلاشهایی در جهت تفرقه افکنی در میان کارگران شروع شده است. کارگر هفت تپه میگوید من حرف خودم را میزنم. اجازه نمیدهم مبارزه ام دنبال این جناح و آن جناح حکومت کشیده شود. جلوی نفوذی و جریاناتی تحت عنوان "عدالتخواه" که کارشان تفرقه افکنی است را میگیرم. بخصوص با این سونامی گرانی، این جراحی اقتصادی و این بساطی که بویژه در این دوره برپا شده و بیش از پیش زندگی و معیشت مردم مورد تعرض قرار گرفته است، بیش از پیش دست این جریانات برای مردم رو شده است و مورد نفرت عمیق مردم قرار دارند. از جمله کارگران و بازنشستگان در اعتراضات هر روزه خود در کف خیابان با شعارهای "عدالتی ندیدیم از بس دروغ شنیدیم، رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو، دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" دارند علیه رئیس، علیه کابینه او شعار میدهند و خواستار برکناری شان میشوند. علیه همدستی دولت و مجلس و کل سیستم مافیایی حاکم شعار میدهند و با فریاد مرگ بر این بردگی سرود آزادی سر میدهند.

حسن صالحی: شما اشاره کردید که اعتراضاتی هم شروع شده است. در اخبار دیدم که نوشته بود سه شبه اعتراضاتی بوده و بخشهایی از کارگران از جمله کارگران رب گوجه که نگرانی برگردانده شدن شرکتشان به مالک سابق را دارند دست به اعتراض زده و در مدخل ورودی نیشکر هفت تپه تجمعی داشتند. بدین ترتیب آنطور که آنها ادعا میکنند هفت تپه خاموش نشده و اعتراضاتی هم

از صفحه ۲

در هفت تپه چه میگذرد؟...

داده و میگویند ما همانطوریکه در اولین روز ریاست جمهوری اسلامی در اعتصاب بودیم. همانطورکه مردم به برنامه جراحی اقتصادی رئیس معترضند، ما هم اعتراض داریم. الان هم در برابر هر تلاشی که بخواید اعتراضات ما را دنبالچه این جناح و آن حکومت بکند می ایستیم. اینها همه حرفها و گفتمان های کارگران نیشکر هفت تپه در کانالها و در مدیای اجتماعی شان است. و اینها همه مثبت است. جالب اینجاست که جریاناتی که تحت عنوان عدالتخواه خود را می نامند. نه فقط در نیشکر هفت تپه بلکه در مراکز دیگر کارگری و در دانشگاهها نیز تحرکاتی دارند. در دوره انتخابات رئیس خیلی تلاش کردند کارگران را دنبال جناح او بکشند. حتی از میان کارگران فردی مثل خنیفر سر از ستاد انتخاباتی رئیس در آورد. ولی همانموقع کارگران محکم ایستادند و گفتند اقدام فردی یک کارگر ربطی به هفت تپه ندارد. انتخابات برای ما معنا و جایگاهی ندارد و کارگران نیشکر هفت تپه انتخاباتشان تجمع مقابل فرمانداری برای پیگیری خواستههایشان است. این دارو دسته عدالتخواه تلاش کردند اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه را مخدوش کنند. حتی در جشن خلع ید از اسدبیگی کوشیدند جشن جداگانه ای تشکیل دهند و ماجرا را به تشکر از رئیس بکشاند. ولی خودشان بودند و هفت هشت نفر افراد پیرامونشان واستقبالی از آنها نشد. در مقابل در جشن بزرگ خلع ید همه کارگران یک پارچه شور و شادی کردند و در سخنرانی هایشان تمام تاکید شان این بود که این موفقیت نتیجه مستقیم اعتراضات و قدرت خود کارگران است و بس. گفتند ما زور داریم و میتونیم زور ما در اتحاد ماست. بدین ترتیب "عدالتخواهان" به شکل های مختلف سعی کرده اند در میان کارگران تفرقه ایجاد کنند ولی نتوانسته اند. در همین رابطه ابراهیم عباسی منجری از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در اینستاگرامش مینویسد: "ما در هفت تپه کاری کردیم که کارستان بود و این وسط خیلی ها

خلاص شدن از این مجتمع ۵ هزار نفره که همواره یک کانون داغ اعتراضات کارگری بوده است. برای اینکه بتواند این کارگران را متفرق کند. برای اینکه بتواند این شرکت را تکه تکه کند. همانطور که در بخش زیادی از صنایع بزرگ حکومت این سیاست را به پیش برده است. طبعا تلاشی در ادامه همان دزدی ها و چپاولگری هاست. همانطور که شما هم اشاره کردید حکومت از از دوباره سر گرفتن اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وحشت دارد. به قول کارگران نیشکر هفت تپه این مجتمع کارگری پایتخت اعتصابات جهان نام گرفته است. این کارگران توانسته اند در مبارزاتشان خیلی از تابو ها را در جنبش کارگری بشکنند. و یکسری نوآوری ها داشته اند. هفت تپه اولین تجربه در جنبش کارگری در مبارزه برای کوتاه شدن دست بخش چپاولگر خصوصی از محیط های کار بود. برای بیرون انداختن باند اسد بیگی که هر سرش به بخشی از حکومت وصل بود این کارگران با تمام جناحهای حکومتی درافتادند. وقتی هم از اسد بیگی خلع ید شد صراحتا اعلام کردند که این خلع ید نه بخششی از طرف رئیس بوده و نه از هیچ بخش حکومت بلکه این موفقیت نتیجه پنج سال مبارزه جانانه خود ما کارگران بوده است. تاکید کردند و گفتند که ما به هیچ جناحی وابسته نیستیم و با همین قدرت نیز خواستههایمان را پیگیر میشویم. همین الان هم این کارگران با همین گفتن در برابر کسانی که سعی میکنند پای جناحهای حکومتی را به این مجتمع بازکنند و مبارزات آنها را منحرف کنند، ایستاده اند. از جمله در بیانیه هایشان میگویند کسانی هستند که به اسم نماینده سعی میکنند پای اشخاصی چون گودرزی و خاندوزی که وزیر اقتصاد است را به عنوان دوستان کارگری به این مجتمع باز کنند و اگر عامل نفوذی ای در هفت تپه هست، اینها هستند. نفوذی میلاد گودرزی، خاندوزی و جریاناتی هستند که خود را عدالتخواه می نامند که همگی طرفدار جناح خود و رئیس هستند. کارگران در بیانیه هایشان توضیح

در هفت تپه چه میگذرد؟...

از صفحه ۳



باز کند. اعتراضات آنها را به انحراف بکشاند و بالاخره تاکید من بر افشای دزدی ها و اختلاس ها و باندهای اختلاسگر و فاسد و دسیسه های پشت پرده آنهاست. در کنار همه اینها تاکید بر به رسمیت بخشیدن بر مالکیت هفت طرح بر هفت تپه است. طبعاً کارگران میدانند و باید بدانند که مالکیت شرکت چه دولتی باشد و چه خصوصی آنها باید پیگیر مطالباتشان باشند. درست است که تحت عنوان خصوصی شکل افسار گسیخته تری از استعمار و بردگی را جاری میکنند. اما وقتی هم شرکت دولتی میشود باید کارگران با مبارزاتشان مطالبات خود را تحمیل کنند. و همانطور که خود کارگران تاکید کرده اند تشکل، تجمع و اعتصاب است که حرف آخر را میزند. همین الان می بینیم که نرخ تورم به حدی بالا رفته که ما با یک سونامی گرانی روبرویم. کارگر نیشکر هفت تپه هنوز خواست افزایش دستمزدها را جلو نیاورده است. جامعه علیه این وضعیت به حرکت در آمد و در شهرهای مختلف مردم به خیابان آمدند. همچنین افزایش دستمزدها خواست بخش های مختلف کارگری معلم و بازنشسته است. میگویند دستمزدها باید به بالای خط فقر 15 میلیونی افزایش یابد. اما هنوز در هفت تپه این مطالبه طرح نشده است. بخاطر اینکه مبارزاتشان با دست اندازها و پیچیدگی های زیادی روبرو بوده است. ولی ماتجره کرده ایم هر چه کارگر حق به جانب تر و تعرضی تر جلو بیاید حکومت ناگزیر است بیشتر در مقابل آنها سر فرود بیاورد. بویژه در اوضاع سیاسی امروز که کل مردم معترضند.

حسن صالحی: بر نکات مهمی تاکید کردید و ممنونم که در این گفتگو شرکت کردید.

گذشتند. ولی کمی در یک نقطه متوقف شده اند. الان ببینید در همین مدت ما شاهد شکل گیری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بوده ایم. در همین مدت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت شکل گرفته است. در بخش های مختلف کارگری کارگران از طریق مدیای اجتماعی گروه ها و نهادهای خود را شکل میدهند. اما هفت تپه هنوز بیانیه ها و حرفهایش را تحت عنوان جمعی از کارگران رو به جامعه منتشر میکند. مگر خود این کارگران اعلام نکردند که ما 5 هزار کارگر هستیم و مجمع نمایندگی خودمان را داریم. چرا به اسم همان مجمع نمایندگان، همانهایی که میروند پای میز مذاکره بر سر خواستههایشان می نشینند بیانیه نمیدهند و رو به جامعه حرفهایشان را نمی زنند. برداشتن این قدم خیلی مهم و اساسی در جهت تثبیت تشکل این کارگران است. مجمع نمایندگی ای که متکی بر 5 هزار کارگر است و میگوید ما نمایندگان این کارگران هستیم و هر جا که خلافاً شود این کارگران هستند که تصمیم میگیرند و میتوانند نماینده ای را برکنار کنند و کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزاتشان عملاً همین کار را کرده اند. این یک قدم به جلو و گامی مهم در سازماندهی اعتراضات و تحقق بخشیدن بر همان نظارت شورایی است که خودشان بر آن تاکید داشته اند. تاکیدات دیگر من بر محکم ایستادن و اجازه ندادن به اینکه مبارزه شان دنبال جناحهای مختلف حکومتی کشیده شود و در همین راستا کوتاه کردن دست دارو دسته های عدالتخواه از مبارزاتشان و جلوگیری از تفرقه افکنی های آنهاست. تاکید دیگر افشاء و طرد آن کارگران و یا نماینده ای است که تلاش میکند راه جناحهای حکومتی را به مبارزات کارگران

توطئه گری ها و تجزیه هفت تپه بردارند با اعتراضات گسترده تر ما روبرو خواهند بود و آنجا اشاره شان به صحبت های ابراهیم عباسی منجزی است که کارگران را نمایندگی کرده است. البته لازمست این را نیز بگویم که در کنار تاکیدی که کردم ما در عین حال به سرنوشت هفت تپه حساس هستیم و اجازه نمیدهیم که تلاشهای دارودسته های حکومتیان و نیروهایشان تحت عنوان عدالتخواه و غیره به حساب کارگران هفته تپه گذاشته شود و کوچکترین سایه ای بر مبارزات شوهمند آنها و دستاوردهای درخشانشان که بطور واقعی پیشروی های کل جنبش کارگری است، بیندازد. ما با دقت مسایل نیشکر هفت تپه را دنبال میکنیم بخاطر اینکه مسایل مربوط به آنرا امر مهم جنبش کارگری میدانیم.

حسن صالحی: قدر مسلم اینست که کسانی که نمیخواهند کارگران به خواستههایشان برسند. مشکلاتی ایجاد میکنند و دشمن کارگران هستند سعی میکنند تفرقه بیندازند و بیکار نمی نشینند. روشن است که باید چنین تلاشهایی را خنثی کنند و کارگران را در آن مسیری که میتوانند به خواستههایشان برسند هدایت کنیم. نه اینکه چون چنین جریاناتی هستند، کنار بکشیم و توجهی نکنیم. میدانم که وضعیت پیچیدگی های خود را دارد. باید تلاش همه این باشد که کارگران نیشکر هفت تپه بتوانند در مقابل دسیسه های مختلف بایستند. این کارگران از اسد بیگی خلع ید کردند و در عین حال یکسری خواستههایی دارند و میگفتند که ما میخواهیم اداره شرکت زیر نظر شورای آنها انجام بگیرد و مجمع نمایندگان کارگران بر اوضاع کنترل داشته باشد. کارگران چه باید بکنند که قویتر عمل کنند. شما در صحبتهایتان اشاراتی کردید ولی لازمست بیشتر در این مورد صحبت کنیم.

شهلا دانشفر: سوال مهمی است. کارگران نیشکر هفت تپه تا کنون پیشروی های خوبی هم برای خود وهم برای جنبش کارگری داشته اند. پرچم شوراها را بلند کردند و عملاً سنگ بنای آنرا

افزادی چون گودرزی و خاندوزی و دارودسته هایشان در این مجتمع برای مخدوش کردن مبارزات کارگران و ایجاد تفرقه در میان کارگران مشغول دسیسه گری هستند اجازه نمیدهیم و به سهم خود تلاش میکنیم دست آنها را بیش از بیش رو کنیم. و با این کار در مقابل هر نوع مماشات و توطئه گری ای می ایستیم. همانطور که در مقطع مضحکه انتخابات دیدیم که کسانی از ستاد رئیسی جلاد سر در آوردند و ما در موردشان نوشتیم و گفتیم اینها ربطی به کارگران نیشکر هفت تپه ندارند. ما همان موقع هشدار دادیم و خطرات چنین توطئه گری هایی را به کارگران هشدار دادیم. الان هم میگویم که کارگران نیشکر هفت تپه بسیار کار به جایی کردند که گفتند مبارزه ما به هیچ کدام از این دارو دسته ها و به هیچ جناحی از حکومت ربطی ندارد. به رئیسی ربطی ندارد و الان هم در برابر سیاست جراحی اقتصادی رئیسی ایستاده و حرف خودشان را میزند. البته چه بهتر که این کسانی که تحت عنوان نماینده کارگری تلاش میکنند، اعتراض کارگران را به پای این جناح و آن جناح بکشند، مشخصاً معرفی و از میان کارگران طرد کنند و اجازه داده نشود که چنین افرادی کوچکترین خدشه ای بر مبارزات آنها بزنند. ما بر اتکای کارگران نیشکر هفت تپه به قدرت متحد خود و حمایت وسیع مردم شوش و موقعیت و محبوبیتی که در جنبش کارگری دارند برای پیشبرد اعتراضاتشان تاکید داریم. همانطور که اشاره کردم کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزاتشان نو آوری داشته اند. تابو شکنی ها کرده اند. و دیدید که در همین هفته ترکیبی از نمایندگانشان در رابطه با طرح جداسازی دو کارخانه رب گوجه و ام دی اف و پیگیری خواستههایشان دیدار داشتند و بعد در بیانیه شان گفتند که آن نماینده ای که گودرزی و خاندوزی را از خود میداند ربطی به ما کارگران نیشکر هفت تپه ندارد. آن نماینده ای ما را نمایندگی میکند که وقتی پست میز مذاکره نشست اعتراض ما را بیان کرد و اولتیماتوم ما را به گوش آنها رساند که اگر دست از این

ماهواره یونلست فرکانس، ۱۱۳۸۷
ماهواره پناه ست فرکانس، ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون، عمومی سیویل ریت، ۲۷۵۰۰
پولاریزاسیون، عمومی سیویل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۵/۶ اف ای سی، ۷/۸
www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

KANAL ۱۱
کانال جدید
پخش زنده آنلاین
پخش زنده
newchannel.tv/live/tv
فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های

مشت های کارمزدی را باید محکمتر بر سرشان فرود آورد و جارویشان کرد!

سیما منصوری

حکومت در مخمصه بحران هائی که با بنیان های موجودیت اش گره خورده، و در برابر خیز مردمی که برای به زیر کشیدن اش به محاصره اش گرفته اند گرفتار آمده است!

نارضایتی از تحمیل فقر و نداری و بدبختی، و اعتراض و اعتصاب در ابعاد اجتماعی در محل کار و خیابان و...، خصصت نمای این دوره از جدال جنبش های کارمزدی و این مردم است و یک فرض قطعی است.

در "عالم شناخت" نیز "فکر" حاکم بر باور مردمان، یک سر هر واقعه و هر آنچه که بر زندگی و هست و نیست شان آوار با جاری است متصل و مرتبط به حکومت میدانند.

حکومت بی قشون قدم از قدم نمیتواند بردارد و قبل از هر تصمیم و عملی و با هر واقعه یا رویدادی، ابتدا ساختارهای سرکوب اش را به خط میکند. دو صف متمایز مردم و حکومت در جدال با بکدیگر، در هر عرصه زندگی/زیست و بیش از هر دوره ای تا به این درجه آشکارا و عمیق و پر نفرت از هم نبوده اند.

ماهیت جدال های طبقاتی و روند اوضاع در قامت و ظرفیت هایی در کف جامعه در جریان است که هر یک از طرفین این جدال نه تنها در موقعیت گذشته شان نمیتوانند باشند، بلکه حتی ایستادن در موقعیت کنونی امروزشان نقطه شکست یا مرگ شان خواهد شد.

این "پله" تعیین تکلیف است. میتوان به چهره و رفتارهای حکومت و.. نگاه کرد و پهنه نپذیرفتن ها و ماهیت مطالبات روی میز مردم، تا مکان پیشروی و قلمروهای بجلو آمده در جدال هایشان علیه وضع موجود را دید.

اینها برای متقاعد کردن هیچ نیروی و برای اثبات کردن در باورشان به مصاف های این مردم و حکومت نیست، چیزی برای ندانستن و پنهان ماندن نیست. دو صف روبروی هم حرف هایشان را زده اند و خواست هارو روشن است.

مردم در اساسی ترین مصاف انتخاب سیاسی شان را کرده اند. همه حکومت هم در برابر جنبش های طبقه کارگر و این مردم انگشت بر ماشه های اسلحه گذاشته اند. مصاف ها در زمین واقعی بر سر مقدرات زندگی و منفعت های طبقاتی و حفظ بقای طرفین جاری ست و جنگ این مردم بر بستر جدال هایشان در بهبود سفره معیشت و تغییر وضعیت شان جاریست.

اعتراض و تجمع و اعتصابات جنبش های کارمزدی و مردمان زحمتکش سیمای غالب و هر لحظه این وضعیت نفرت انگیز است. و حکومت برای خلاصی از مخمصه بحران هایش که به محاصره اش گرفته اند، به پشتوانه همه سرمایه و شرکایش و...، و به اتکای قشون و گلوله جنگی و آدم ربائی و زندان، و قیحانه ترین دستبرد به دسترنج کار و سفره نان و داشته های طبقه کارگر و مردمان زحمتکش را بجلو آورده است.

اما حکومت میدانند که در موقعیت و قامت و شمای تاکتونی اش نه تنها قادر به سرکوب و تمکین طبقه کارگر و این مردم نیست، بلکه روند ماهیت جدال های در کف جامعه اگر پتانسیل های موجودش را در یک هم تیدگی سازمان یافته به میدان بیاورد بنیان هایش را در هم پیچید!

رژیمی که در چنین موقعیتی گرفتار آمده نمیتواند در مکان کنونی اش بایستد. با یک اعتصاب سراسری به سرعت فرو خواهد ریخت!

یک اقتصاد ورشکسته ی در حال فروپاشی و جنبش های کارمزدی در کف خیابان و بطور کل طبقه کارگر و مردمانی که تمکین نمیکند، و حکومتی که "ترس" از خشم و نفرت "این مردم به جانسان افتاده و همه امکانات و ظرفیت هایش را به میدان آورده است و دارد یقه از هم میدرد و میکوشد با پوشیدن ردای کشتار سالهای دهه شصت، واقعیت ها و مکان و ماهیت تحولات و روندهای جاری را با دستپاچگی و وحشیگری وارونه جلوه دهد.

سناریوی بازگشت به حجاب اجباری و آدم ربائی ها و بگیر و ببندهای سراسمگی فله ای و نورتاباندن بر جلالان "هیئت مرگ" و بزرگنمایی عمدی از وحشیگری هایشان را در چنین متنی میتوان جستجو کرد. یلدن ترتیب یک کاریکاتوری کره و نفرت انگیز از تراژدی کشتار سالهای شصت را دارند به نمایش میگذارند. حکومت و همه آنها که عصای زیر بغل شان شده اند بخوبی واقفند که طبقه کارگر/کارمزدی با جدال های بی وقفه اش رادیکالیسم انسانی را به ظرف اعتراضی لایه های فردوست اجتماعی و مردم تسری داده و ستون فقرات جنبش های نپذیرفتن و تغییر این وضعیت است. حکومت توازن قوای جدال رو در رو در کف جامعه را به طبقه کارگر/کارمزدی و مردم باخته است. جنبش های اعتراضی / اعتصابی کارمزدی و توده مردم به مکان سیاسی اجتماعی بالاتری قد کشیده و در قامت دخالتگری جمعی با جلوه هایی از "جنبش مجمع عمومی" ها به میدان آمده اند. از کارخانه ها و معادن و حمل و نقل و خدمات...، تا معلمان و بازنشستگان و پرستاران و... بیش از هر دوره ای دینامیسم و نیرو محرکه کشمکش و جدال هایشان را با منفعت های طبقاتی سفره معاش و رفاه زندگی و خوشبختی میفهمند!

بیش از چهار دهه جدال های دائمی طبقه کارگر و مردمان علیه نفرت انگیزترین وضعیت ممکن و حکومت اوباشان، به تعیین تکلیف رسیده است. لحظات و دوره ای در جدال های جنبش های طبقه کارگر/کارمزدی و مردمان با حکومت ها به میان میآید که هیچ یک از طرفین جدال نمیتوانند در همان مکان سیاسی/اجتماعی و موقعیت تا کنونی شان بایستند.

پیشروی هر یک، شکست یا پایان دیگری است. حکومت خوب میفهمد اگر جنبش های کارمزدی در کف خیابان

(کارگران و معلمان و بازنشستگان و...) حول پایه ای ترین منافع مشترک شان چشمگیرترین رفتار اعتراضی را به خیابان بیاورند، نه تنها مطالبات را خواهند گرفت که بطور یقین اگر مشت هایشان را بالا ببرند آنچنان ضربه ای بر قامت حکومت خواهند کوبید که بنیان هایش در هم پیچد.

از این رو حکومت برای ممانعت جدی از عمل اعتراضی مشترک درهم تیدیه کارمزدی(کارگران و معلمان و بازنشستگان و...) و ممانعت جدی از تغییر مکان و موقعیت کنونی اش به یک درهم تیدگی سازمان یافته همه امکانات و ظرفیت هایش را به کار گرفته ست تا "غول" از چراغ "رها شده را بزند. یعنی صفوف طبقاتی کارمزدی در جدال هایش را بشکند و چند شقه کنند و بکوبند.

بر متن یک سرکوب و خشونت عریان (حتی بزرگنمایی)، و با پخش و پلا کردن پتانسیل واقعا موجود جنبش های اعتراضی/مطالباتی کارمزدی و دست به سر کردن و معطل کردن شان با ترفندهای گوناگون، با قوانین خودساخته تفسیر بردار و پاسکاری و کشدار و...، با باد زدن نهادهای دست ساز و پادوهای فرصت طلب، تا بخش جریانات محافظه کار و رفرمیست های ماهیتا پوچ و فرصت سوز (خیرخواه) با "تنوری سازی تفرقه و چند شقه کردن صف کارمزدی" دارند تمام تلاششان را میکنند تا از رادیکالیسم و مهمترین رفتار و اقدام جنبش ها به مکان تعیین تکلیف، یعنی سازمان یافتگی عمل مشترک جنبش های کارمزدی ممانعت جدی کنند و آنها را خسته و فرسوده و مستاصل کنند. یک چیز قدر مسلم است، حکومت در این کارزار تعیین تکلیف دارد گام هایش را به تغییر موقعیت کنونی اش بر میدارد. افزایش شدت استعمار و گسترش غارتگری جیب و سفره معیشت

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها



شرط آزاد شوند و پرونده امنیتی تشکیل شده برای آنها مسدود گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۶ تیر ۱۴۰۱

زنداند و تحت بازجویی های شدید قرار دارند. این افراد اجازه ملاقات ندارند. اجازه گرفتن وکیل ندارند و مدت بازداشت آنها مرتباً تمدید شده است. همراه با این پرونده سازی امنیتی حسن سعیدی، رضاشهابی از فعالین کارگری و آنیسا اسداللهی و کیوان مهتدی از فعالین اجتماعی بازداشت شده اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی این پرونده سازی های امنیتی را شدیداً محکوم میکند. تمامی معلمان زندانی و کارگران زندانی باید فوراً و بدون قید و

غیاب نعمتی و دیگر فعالین صنفی به اسامی رضاطهماسبی، صادق کنعانی، نسرین کریمی، فیصل نوری، کورش عزتی، زرگارحیدری و مختاراسدی به شعبه ۲ دادسرای عمومی سنندج احضار شده اند و ظرف مدت ۵ روز باید در این شعبه حاضر شوند. بر اساس ابلاغیه ها، همه این معلمان به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی متهم شده اند.

گفتنی است که روز ۲۶ تیر محمد تقی فلاحی بعد از تحمل ۶ ماه حبس از زندان اوین آزاد شد. آزادی محمد تقی فلاحی را به وی، به خانواده اش، به معلمان و به همه مردم تبریک میگوییم.

در حال حاضر ۲۲ نفر از معلمان در زندانند. اسامی آنها عبارتند از: رسول بدافی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، حمید قندی، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسکری، هاله صفرزاده، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، هیوا قریشی، امید شاه محمدی، کاوه محمدزاده، پرویز احسنی، محمد علی زحمتکش، غلامرضا کندازی، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمد حسین سپهری

تعدادی از این معلمان از جمله رسول بدافی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، اسکندر لطفی در جریان پرونده سازی های امنیتی بعد از بازداشت ژاک پاری و سیسل کولر تحت عنوان همکاری با دسیسه جاسوسی بازداشت شده اند و الان نزدیک به دو ماه است که آنها در

از اردیبهشت تا کنون ۲۳۰ نفر از معلمان به خاطر مبارزاتشان بازداشت شده اند. در اعتراض به این سرکوبگری ها شمار بسیاری از آنان آزاد شده اند. اما بسیاری از این آزادی ها موقت و به قید وثیقه صورت گرفته است و هدف رژیم باز نگهداشتن پرونده های امنیتی به عنوان چماقی بر روی سر معلمان و کل جامعه است. در همین راستا است که معلمانی که دارای پرونده امنیتی هستند مرتباً به دادگاه احضار شده و مورد محاکمه قرار میگیرند.

در همین راستا روز شنبه ۲۵ تیر دادگاه رسیدگی محمود صدیقی پور، انوش عادل و عزیز قاسم زاده از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان و محمد جواد حجتی سعیدی، علی نهالی و جهانبخش لاجوردی (فعالان صنفی فرهنگیان گیلان) با حضور رامین صفرنیا وکیل شان و رد اتهامات انتسابی و تقدیم لایحه دفاعی به اتمام رسید. این معلمان پیش از شروع تجمع ۲۶ خرداد بدون ارائه حکم سازمانی و با توهین و ضرب و شتم توسط ماموران لباس شخصی دستگیر شده بودند.

همچنین بنا بر گزارشات شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بنابر ابلاغیه ای که در تاریخ ۲۰ تیرماه در سامانه ای ثای فعالین معلم در سنندج قرار گرفته است، پنج نفر از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان با اسامی: فاطمه زندکریمی، صلاح حاجی میرزایی مجید کریمی، رضامردی و

مشت های کارمزدی ...

از صفحه ۵

شکل دادن به یک قدرت واقعی تاثیر گذار در صحنه سیاست سراسری است.

به میدان آمدن این صف درهمنیتیده جنبش های کارمزدی در قامت سازمان یافته تر در کارخانه و خیابان و مدارس و...، نه توصیه ای و نه ادامه خطی اجتناب ناپذیر جدال های کارمزدی ست،

که از فهم منفعت های مشترک طبقاتی و از دل خیابان بیرون زد، دیگر یک مطالبه اجتماعی ست که بمثابة خودآگاهی طبقاتی بر متن جدال ها بچلو آمده است.

با دخالتگری آدم ها و ساختارهای سازمان یافته تر سیاسی کارگری، و با انسان های دخالتگری که منفعت های همین امروز و افق پیشروی و خوشبختی طبقه کارگر/کارمزدی و مردمان را در همین جنبش ها و در کف جامعه نمایندگی میکنند دارد در اجتماعی ترین ساختار دخالتگری و... سازمان می یابد.

در همتییدگی جنبش های طبقه کارگر (کارگران و معلمان و بازنشستگان و...) از ضرورت موجودیت و پایه ای ترین منفعت های زندگی شان سر برآورده و در روند به میدان آوردن چشمگیرترین رفتار ابراز وجودش سدهای حکومتی و "فرصت سوزهای خیرخواه" را پس خواهد زد و...!

برای نان، رفاه و آزادی!

طبقه کارگر و مردمان زحمتکش در ابعاد سونامی فلاکت و استیصال، اساسی ترین راهکار و تنها سیاست ممکن اقتصادی حکومت برای خلاصی از مخمصه بحران هایش است که دارد به پیش میرود. "جراحی اقتصادی" که تنها با تیغ کشتی گسترده عریان بر قامت جنبش های جلو آمده طبقه کارگر و پیکر جامعه دارد به جلو میرود. اما حکومت میدان کارزار رو در رو با مردم را در کف جامعه باخته است!

برای جنبش های کارمزدی و اجتماعی مردم در کف جامعه علیه وضعیت موجود، ایستادن در موقعیت کنونی اش دیگر حتی درجا زدن هم نخواهد بود. و جنبش های طبقه کارگر/کارمزدی و توده مردم خواهان تغییر، مدتهاست به مکان بالاتری ارتقا یافته اند و همه سراسیمگی حکومت در ترس از چنین محاصره ای است.

اتحاد رفتار مشترک نپذیرفتن ها و اعتراضات جنبش های کارمزدی(کارگران و معلمان و بازنشستگان و...) بمثابة یک ضرورت دفاع از موجودیت و سفره معیشت و منفعت های زندگی و از پایه های اجتماعی این جنبش ها بیرون زده است.

بچلو آمدن این جبهه متحده کارمزدی ابتدا به ساکن نه بلحاظ افزایش حدنصاب عددی و...، بلکه برای به میدان آوردن پتانسیل و قدرت سیاسی نهفته موجود این نیروی عظیم طبقاتی و تبدیل شدن و





تجمع کارگران شهرداری بهبهان، دیدار فعالین با خانواده‌های کارگر زندانی و اعتراضات پرستاران در کرمانشاه

روز ۲۵ تیر کارگران فضای سبز شهرداری بهبهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود و تعویق پرداخت دستمزدها دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه ۲۳ تیر تعدادی از فعالین کارگری و مدنی، معلمان، بازنشستگان، زنان و دانشجویان با خانواده‌های کارگر زندانی که از نهم خرداد ماه در بازداشت است ملاقات کرده و حمایت خود را از او اعلام کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وانه زمانی شدند. در این دیدار مادر وانه طی سخنانی در مورد وضعیت جسمی و ابتلای وی به بیماری خطرناک هپاتیت C صحبت کرد و ابراز نگرانی نمود و بر آزادی فوری وی تاکید کرد. همچنین فرهاد شیخی یکی از فعالین کارگری حاضر در این دیدار طی سخنانی از وضع بد جسمی وانه زمانی و بیماری‌های متعددی و کبدی او و اینکه در زندان چند بار خونریزی معده داشته است سخن گفت. او صحبت‌هایش را با شعار وانه زمانی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد

باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد خاتمه داد و حاضرین این شعارها را با او تکرار کردند.

وانه زمانی در نهم خردادماه در پی پرونده سازی امنیتی دستگیر شد و هم اکنون با وجود بیماری حاد هپاتیت کبدی در زندان اوین و بدور از دارو و درمان در بازداشت بسر میبرد. جان وانه در خطر است. جمهوری اسلامی در قبال جان او مسئول است. او باید فوراً آزاد و تحت درمان قرار گیرد.

- روز ۲۳ تیر پرستاران و کادر درمان بدون سهمیه مراکز درمانی کرمانشاه در اعتراض به وضع بد معیشتی و تبعیضها تجمع کردند. معترضان با حمل پلاکاردهایی نسبت به اعمال تبعیض علیه نیروهای کادر درمان که فاقد سهمیه هستند و اخراجها و عدم استخدام خود به کار تجمع کردند. پرستاران و کادر درمان طرحی وزارت بهداشت که در زمان اوج شیوع مرگبار کرونا جهت تامین نیروهای انسانی برای مقابله با این بیماری استخدام شده بودند، علیرغم کمبود پرستار در

بیمارستانها و نیز وعده‌های مسئولان، از کار بیکار شده‌اند. با کمبود بالای پرستار در بیمارستانها و فشار سنگین کاری بر دوش پرستاران استخدام رسمی، چندین هزار پرستار که بصورت های مختلف شرکتی و طرح و غیره موقتا به کار گرفته شده بودند، از کار بیکار شده‌اند. این بیکارسازیها از یکطرف فشار بر روی پرستاران را افزایش داده است و از سوی دیگر وضعیت درمان و بهداشت بیمارستانها و مراکز درمانی را به وخامت بیشتری کشانده است. خواستها و اعتراضات پرستاران به همه مردم مربوط است و باید با حمایت وسیع جامعه روبرو شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیر ۱۴۰۱، ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲



خطر مرگ وانه را تهدید میکند

هشدار صابر زمانی برادر وانه زمانی فعال کارگری زندانی

صابر زمانی در تاریخ بیست و چهارم تیر در اینستاگرام خود در مورد وضعیت نگران کننده برادرش وانه زمانی که از نهم خرداد ماه تا کنون با وضعیت بد جسمانی در زندان است نوشته و در مورد خطر مرگ برای او هشدار میدهد. او از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی درخواست دارد که فشار بیاورند تا وانه هر چه زودتر آزاد شود و حکومت اسلامی را مسئول جان وی دانسته است.

فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی در نگرانی برادر و مادر و خانواده وانه زمانی شریک است و از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که دخالت کنند و جلوی ادامه این سیاست جنایتکارانه در قبال وانه زمانی را بگیرند. فشار بیاورند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و قرار گرفتن بیدرتنگ وی تحت درمان شوند.

لطفاً یک ایمیل/توییت به مقامات ایران ارسال کنید و با محکوم کردن سیاست جنایتکارانه شان در قبال وانه

وانه زمانی یکی از فعالین شناخته شده کارگری در ایران است که بدلیل دفاعش از حق و حقوق کارگران دستگیر شده است. برای او پرونده سازی امنیتی شده و در مدت بازداشتش زیر شدیدترین بازجویی‌ها قرار گرفته است. او حق ملاقات ندارد

نامه صابر زمانی برادر وانه زمانی

از بازداشت وانه زمانی، فعال کارگری زندانی در زندان اوین، حدود یک و نیم ماه می‌گذرد. ایشان که مبتلا به بیماری هپاتیت ث حاد و بیماری‌های گوارشی هستند، از زمان بازداشت تا کنون نه تنها هیچگونه ملاقات حضوری با خانواده نداشته‌اند، بلکه از دسترسی به پزشک و

زمانی و بر آزادی فوری او تاکید بگذارید. به آی ال او سازمان جهانی کار اعلام کنید که دیگر از مماشاتش با این حکومت دست بردارد و این رژیم را بخاطر نقض پایه‌ای ترین حقوق کارگران و مردم ایران از این نهاد طرد کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

۲۶ ژوئیه ۱۴۰۱

<https://free-them-now.com/>

اخباری از اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات

برگرفته از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری



بلند کرده و خواسته های فوری آنها از جمله عبارتند از: لغو مصوبه افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بالابردن سطح مستمری ها به بالای خط فقر، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات.

روز ۲۵ تیر روز تجمعات اعتراضی بازنشستگان در سطح سراسری بود که در بیست شهر تجمع و راهپیمایی داشتند.

شعارهای اعتراضی خود و خواندن سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، اعتراض خود را به کل بساط بردگی و توحش سرمایه داری مافیایی حاکم اعلام داشتند.

بدین ترتیب امروز همه بخش های بازنشستگان در اعتراض به فقر و بی تاملی و سطح نازل حقوقهایشان در اعتراضات یک موضوع مهم اعتراض بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی به تصمیم دولت مبنی بر افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بلا تکلیف ماندن عملی میزان افزایش مستمری هایشان علیرغم گذشت چهار ماه از آغاز سال است. آنها همچنین به بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده خود معترض هستند. بازنشستگان در تجمعاتشان همواره صدای اعتراض خود را علیه تبعیضها و نابرابری ها و به کل بساط سرمایه داری مافیایی و دزد و چپاولگر

بلند کردن بشقاب هایی خالی که بر آنها شعارهای اعتراضی شان را نوشته بودند، اعتراض خود را به فقر و گرسنگی اعلام داشتند. در این روز بازنشستگان شعار میدادند: "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه"، و "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون".

روز ۲۱ تیر بازنشستگان مخابرات همراه با کارکنان آن در اعتراض به شرایط بد معیشتی خود در شانزده شهر تجمع کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، خرم آباد، قزوین، کرمانشاه، کرمان، رشت، شهرکرد، یزد، اراک، اهواز، تبریز، ارومیه، جوازود، بندرعباس، همدان و شیراز برگزار شدند.

کارکنان مخابرات در اعتراض به کاهش و حذف دستوری حق جذب، عدم پرداخت موقوفات بهره‌وری، تسویه بدهی صندوقها، عدم پرداخت هزینه‌های درمانی، قطع کمک‌های رفاهی، نپرداختن معوقه‌های قانونی پاداش بهره‌وری تجمع کرده بودند و خواستار اجرای کامل آئین‌نامه استخدامی سال ۸۹ بدون تنازل شدند.

بازنشستگان مخابرات در اعتراض به گرانی ها، سطح نازل حقوقها و باخواست افزایش حقوقها و درمان رایگان تجمع کرده بودند. در این روز بازنشستگان مخابرات کرمانشاه به تهران سفر کرده و مقابل ساختمان مخابرات تجمع داشتند و شعار میدادند "سفره ما خالیه ظلم و ستم کافیه". و "سهام دار عمده حق ما ها را خورده".

روز ۲۰ تیر نیز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، رامهرمز، اصفهان و کرمان تجمع داشتند و با

روز ۲۲ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه و شوشتر در ادامه اعتراضات خود به مصوبه هیات وزیران مبنی بر افزایش ناچیز ده درصدی مستمری هایشان و علیه گرانی و بی تاملی دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

در اهواز بازنشستگان مقابل فرمانداری تجمع داشتند و سپس با فریاد شعارهایشان در خیابانهای شهر راهپیمایی کردند. آنها شعار میدادند: "می جنگیم، می میریم، ذلت نمی پذیریم"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه"، و "دولت شش کلاسه".

در شوش تجمع بازنشستگان مقابل استانداری برگزار شد و بعد آنها با شعار دادن و کف زدن در شهر راهپیمایی کردند. از جمله شعارهای اعتراضی آنها عبارت بودند از: "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "خیلی دروغ شنیدیم عدالتی ندیدیم"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم".

بازنشستگان در کرمانشاه نیز در این روز مقابل کانون بازنشستگان کرمانشاه واقع در پارک معلم تجمع داشتند و با شعار مسئول بی لیاقت استعفا اعتراض خود را اعلام کردند.

روز ۲۱ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و هفت تپه برای پیگیری مطالباتشان مقابل استانداری شوش تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با پهن کردن سفره ای خالی با

نامه صابر زمانی برادر واله زمانی ...

از صفحه ۷

استفاده از داروهای تجویز شده، حکایت از آن دارد که مسئولین قصد دارند تا این فعال کارگری را به کام مرگ بکشاند. لذا با تاکید بر وضعیت جسمانی واله زمانی، خواهان آزادی فوری این فعال کارگری بوده و مسئولیت سلامتی ایشان را متوجه مسئولین زندان میدانم. همچنین از همه نهادهای حقوق بشری تقاضا دارم تا هر چه سریعتر وضعیت حقوقی و پزشکی ایشان را پیگیری نمایند.

صابر زمانی؛ برادر واله زمانی فعال کارگری زندانی در زندان اوین

۱۴۰۱/۰۴/۲۴

داروهای خود نیز محروم شده اند. ایشان طبق آخرین تماس عنوان نمودند که تنها یکبار برای آزمایش پزشکی توانسته اند با پزشک ملاقات کنند و روزانه ساعت ها مورد بازجویی قرار می گیرند و قرار بازداشت شان مرتباً تمدید میشود. همچنین ایشان تاکید کردند که در روزهای اخیر بارها دچار خونریزی معده شده و وضعیت جسمانی بسیار وخیمی دارند. لازم به ذکر است که بر اساس گفته پزشک معالج واله زمانی، در صورت قطع روند درمان، خطر مرگ وی را تهدید می کند. لذا با توجه به اطلاع مسئولین زندان از پرونده پزشکی وی و عدم اجازه ی

توییت اسماعیل بخشی

خودتان را خسته نکنید

هیچ سناریویی نمی‌تواند مانع حرکت جنبش کارگران و معلمان شود با طراحی سوخته مگر خودتان نسوختید؟
محکمتر بنیزد محکمتر می‌خورید!

#نه_به_سناریوسازی



تجمعات کارگران مخابرات، اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز و دو خبر دیگر



وضعیت کارخانه تجمع کردند.

- روز ۲۰ تیر غسل محمدی از فعالین حقوق کارگران که قبلا نیز در رابطه با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود برای اجرای حکم یکسال حبس خود راهی زندان اوین شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ تیر ۱۴۰۱، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲

مزد هیچ کارگر رسمی نفت نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد و اولتیماتوم داده بودند که اگر خواستهایشان پاسخ نگیرد در پنجم مرداد دوباره تجمع خواهند کرد.

- روز ۲۱ تیر کارگران کارخانه داروگر برای چندمین بار نسبت به محقق نشدن پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای، عدم امنیت شغلی، حذف سرویس ایاب و ذهاب و همچنین عدم تعیین تکلیف

پتروشیمی تبریز در هجدهم تیر ماه نیز در این رابطه اعتصاب و تجمع داشتند. مزد این کارگران حداکثر ده میلیون است و در قبال کار مساوی با کارگران رسمی بعضا یک چهارم یا یک پنجم آنها مزد میگیرند. این کارگران همچنین هشتصد هزار کارانه میگیرند و به همین نسبت کارانه آنها نسبت به همکاران رسمی شان کمتر است. حکومت اسلامی از شکافی که بین وضعیت کارگران رسمی و پیمانی ایجاد کرده همواره برای تفرقه در میان آنها سود میجوید. در برابر این تفرقه افکنی ها کارگران رسمی نفت طی بیانیه‌ای بر اتحاد سراسری همه کارگران شاغل در نفت تاکید کرده و برجیده شدن بساط پیمانکاران را یک حلقه اصلی برای اتحاد و اعتراضات قدرتمند کارگران دانسته اند. کارگران رسمی همچنین با توجه به رشد فزاینده نرخ تورم بدرست خواستار افزایش فوری حقوقهایشان شده و اعلام کرده اند

- روز ۲۱ تیر کارکنان مخابرات منطقه یزد، قزوین، ارومیه، تبریز، اهواز، اراک و شهر کرد در اعتراض به قطع و کاهش حق جذب و ثابت ماندن کمک هزینه رفاهی و نپرداختن معوقه‌های قانونی پاداش بهره‌وری، حق جذب، و ... اجرا نشدن آیین‌نامه استخدامی کارکنان مخابرات مصوب سال ۱۳۸۹ دست به تجمع زدند. اعتراض آنها به سطح نازل حقوقها و سونامی گرانی است. این اعتراضات ادامه دارد.

- روز ۲۱ تیر کارگران پیمانی پتروشیمی تبریز در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و اختلاف فاحش و بسیار زیاد حقوق خود با کارکنان رسمی مقابل ورودی این پتروشیمی دست به تجمع زدند. در قدم اول خواست آنها همسان سازی حقوقها و رفع تبعیض است. کارگران نفت بارها بر قطع دست پیمانکاران و دائمی شدن استخدام ها تاکید کرده اند. کارگران

۲۶ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در سه شهر شوش، اراک و کرمانشاه

تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه

تومانی دولت به صندوق بازنشستگی، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از دیگر خواستها و مطالبات آنهاست. حضور خانواده ها در تجمع روز گذشته بازنشستگان در شوش الگویی برای گسترش و تقویت بیشتر این اعتراضات بود. از خواستها و تجمعات اعتراضی بازنشستگان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ تیر ۱۴۰۱، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲

مردم علیه برنامه جراحی اقتصادی رئیسی و فقر و بی تأمینی و سونامی گرانی هستند. لغو مصوبه افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بالابردن سطح مستمری ها به بالای خط فقر خواست فوری آنهاست و در بنرهایشان بر افزایش حقوقها به بالای هجده میلیون تاکید کرده اند. درمان رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و پرداخت دیون چهارصد هزار میلیارد

کف زدن و با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" برادامه اعتراضات خود تاکید کردند. اعتراضات بازنشستگان هر روزه است و آنها با شعارهای اعتراضی شان کل حاکمیت و توحش و بردگی حاکم را به چالش میکشند. روز گذشته ۲۵ تیر روز اعتراض سراسری آنها بود که در ۲۱ شهر تجمعات بزرگ و باشکوهی برپا کردند. بازنشستگان صدای اعتراض همه

روز ۲۶ بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، اراک و کرمانشاه در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، عدم اجرای کامل همسان‌سازی و عدم پاسخگویی به دیگر مطالبات‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. در شوش حدود پانصد نفری از بازنشستگان در این روز جمع بودند و شعار میدادند: "توپ، تانک، فشفشه قالیباف باید گم بشه"، "تنگ ما، تنگ ما، مخبر الدنگ ما". بازنشستگان در این تجمع با سردادن سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، وای از این بردگی، وای از این بردگی مثل روزهای قبل اعتراض خود را به این بساط توحش و بردگی اعلام کردند. محمد فتلاوی ابوجاسم که دارای مشکل کبدی و پیوند کبد است بدلیل پایمال شدن حشش توسط دولت از هر روز بستر بیماری و تختخواب بلند شده خود را به تجمع میرساند
در اراک و کرمانشاه بازنشستگان با



۲۵ تیر: تجمعات پر شمار و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی

در شوش خانواده ها نیز شرکت کردند

روز ۲۵ تیر بنا به فراخوان از قبل اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی علیرغم گرمای زیاد تجمعات بزرگی در شهرهای مختلف برگزار کردند و خواستهای خود را فریاد زدند. این تجمعات در اعتراض به حقوقهای نازل و نامتناسب با گرانی و تورم افسار گسیخته و مصوبه افزایش تحقیر آمیزه درصدی مستمری هایشان توسط دولت و عدم پاسخگویی به دیگر خواستها برگزار شد. گزارشات دریافتی گویای اینست که تجمعات در شهرهای مختلف از جمله تهران، خرمشهر، شوش، بابل، اراک، اصفهان، اهواز، همدان، کرج، سیرجان، خرم آباد، ایلام، تبریز، شوشتر، زنجان، کرمانشاه، رامهرمز، اردبیل، بیرجند، قزوین و رشت برگزار شده است.

در شوش حدود هفتصد نفر تجمع داشتند و خانواده ها نیز در اعتراضات شرکت داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی تورم بلای جان مردم"، "بازنشسته داد بزن، حقو فریاد بزن"، "نگ ما نگ ما، مخبر الدنگ ما"، "قط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، و تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه". "یک صحنه شورانگیز آن سردادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی.. مرگ بر این بردگی" بود. این سرود در شهرهای دیگر از جمله در اراک و کرج نیز سر داده شد و توجه مردم را بر آنکسخت. در اراک جمعیت بزرگی از بازنشستگان در اعتراض شرکت کرده بودند و در حالیکه در خیابانهای شهر راهپیمایی میکردند این سرود را میخواندند و صدای آن بر فضای شهر طنین انداخته بود. آنها شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه"

در تهران تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی و معلمان بازنشسته در مقابل



سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار با حمله نیروهای مزدور حکومت روبرو شد و تعدادی نیز بازداشت شدند. هنوز گزارش دقیقی از تعداد و هویت بازداشت شدگان دریافت نشده است. علیرغم این تهاجم، گروههایی از بازنشستگان در محل باقی ماندند و شعارهای اعتراضی شان را سردادند. از جمله شعار میدادند: "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند". در کرج نیز بیش از دویست نفر در تجمع شرکت داشتند و دو ساعت تمام یک نفس شعار دادند و اعتراضشان را فریاد زدند. بنا بر خبر دولت قصد دارد به بهانه غدیر مبلغی به بازنشستگان آنهم نه به همه آنها پرداخت کند. و این اقدامی در جهت سرباز زدن از افزایش حقوقها و حتی اجرای همان مصوبه حداقلی شورایعالی کار و در عین حال تلاش برای ایجاد تفرقه در میان بازنشستگان است. در پاسخ بازنشستگان شعار میدادند: "عید غدیر نمی خواهیم حقوق مان را میخوایم".

دیگر شعارهای کارگران بازنشسته در این تجمع عبارت بودند از: "مخبر بی لیاقت استعفا استعفا"، "قط کف خیابان بدست میاد حقمون"، "سی سال پس انداز کردیم اختلاس که نکردیم"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم، بازنشسته اتحاد اتحاد".

تجمع کرج از ساعت ده شروع شد و آرام آرام حضور پلیس پر رنگ شد و یگان ویژه موتور سوار به طرف تجمع کنندگان حرکت کرد و در ساعت یازده و نیم به جمعیت حمله کردند. در این جاصحنه با شکوهی از مقاومت و مبارزه در میان بازنشستگان شکل گرفت. نیروهای سرکوب قصد ربودن یک نفر از بازداشت شدگان را داشتند که جمعیت به سمت پلیس یورش برد و فرد بازداشت شده را آزاد کردند و اجازه ندادند او را داخل ماشین پلیس ببرند. ساعت ۱۲ حاضران بخاطر حضور خودشان و بازنشستگان و حق خواهی کف زدند. بعد هم یکصد اسم رئیسی، قالیباف و مخبر را داد میزدند و با فریاد بلند هو میکردند. و دوباره برای خود کف زدند.



در خرمشهر نیز بازنشستگان تجمع داشتند و با شعار "مسئول بی کفایت استعفا استعفا" خشم و نفرت خود را علیه مسئولین فریاد میزدند. در بابل بازنشستگان با پهن کردن سفره ای خالی اعتراض خود را به فقر و بی تامین و سونامی گرانی که موضوع اعتراض همه مردم است اعلام کردند.

در اهواز این کانون داغ اعتراضات بازنشستگان در این روز نیز تجمع و راهپیمایی بود و جمعیت بزرگی شرکت داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "دولت شش کلاسه، همین روزا خلاصه"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت". در زنجان بازنشستگان با شعارهای "تامین اجتماعی چه نام اشتباهی"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه" اعتراض خود را به حکومتیان که روز بیست و پنج تیر را روز "تامین اجتماعی" خوانده اند و به وضع بد معیشتی و بی تامینی خود اعتراض کردند. در کرمان و مشهد نیز بازنشستگان تجمع داشتند. در کرمان جمعیت بزرگی از بازنشستگان در شهر راهپیمایی کرده و با شعارهای "هم دولت، هم مجلس، وعده و وعید کافیه"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده ها کو اعتراضشان را فریاد زدند. و در مشهد با شعار "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد" اعتراض خود را به سردواندن های حکومتیان و وضع بی تامینی خود اعلام کردند.

در اصفهان بازنشستگان با شعار "حقوق ما زیر عبا له شده" بساط دزدی و چپاول حاکم را به چالش کشیدند. در این روز بازنشستگان کرمانشاه با شعارهای "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت تجمع داشتند و برای فردا ۲۶ تیر نیز تجمع خواهند داشت. در شوشتر بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند و شعار میدادند: "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت" بازنشستگان همچنین در اردبیل،

رشت و تبریز تجمع داشتند. در اردبیل شعار میدادند: "هم مجلس هم دولت بی خبرند از خجالت". در رشت بازنشستگان با شعار "رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو" حمله شان به رئیسی و برنامه جراحی اقتصادی اش بود که فریاد همه را بلند کرده است و در تبریز تجمع کنندگان با زبان ترکی شعار میدادند: "ملت ما از بی عدالتی به تنگ آمده و دادش درآمده است"

در خرم آباد بازنشستگان همانند دیگر شهرها با شعار های "نه دولت نه مجلس نیستند به فکر ملت"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "مسئول بی کفایت نمی کشه خجالت" اعتراضشان را فریاد زدند و در آخر با شعار "تا حصول نتیجه تجمع تجمع" بر پیگیری خواستههایشان تاکید کردند.

بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم علیه فقر و بی تامینی و سونامی گرانی هستند. بازنشستگان یک سد محکم در برابر برنامه جراحی اقتصادی رئیسی ایجاد کرده اند. خواستهای فوری آنها از جمله عبارتند از: لغو مصوبه افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بالابردن سطح مستمری ها به بالای خط فقر، درمان رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و پرداخت دیون چهارصد هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق بازنشستگی، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات. از خواستها و مطالبات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیر ۱۴۰۱، ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲

پیروزی بزرگ جنبش دادخواهی، حمید نوری به حبس ابد محکوم شد

در میان غریو شادی و پایکوبی بازماندگان و قربانیان هولوکاست اسلامی، در پایان محاکمه تاریخی حمید نوری (عباسی)، دادیار سابق زندان گوهردشت، یکی از عاملین کشتار زندانیان سیاسی به جرم نقض مجرمانه و فاحش قوانین بین‌المللی، جنایت جنگی و قتل عام زندانیان سیاسی، به حبس ابد که سنگین‌ترین مجازات جنایی در قوانین قضایی کشور سوئد محسوب می‌شود، محکوم گردید.

دادگاه استکهلم پس از ۹۲ جلسه، با حضور نزدیک به صد شاکی و شاهد و بررسی دقیق اسناد و شواهد متقن، با صلاحیت قضایی بین‌المللی، هیچکدام از دفاعیات حمید نوری و وکلایش را نپذیرفت و رأی به محکومیت قطعی او داد. حمید نوری در ۲۸ آبان ۱۳۹۸ (۱۹ نوامبر ۲۰۱۹) در فرودگاه استکهلم دستگیر شد و تا زمان اعلام محکومیت قطعی ۹۷۲ روز در زندان ماند.

دادگاه حمید نوری اسناد و شواهدی را بررسی کرد که به دقت نشان می‌داد کشتار

زندانیان سیاسی با دستور مستقیم خمینی و تشکیل هیئت مرگ که ابراهیم رئیسی، حسینعلی نوری، مرتضی اشراقی و مصطفی پورمحمدی از اعضای اصلی آن بودند صورت گرفته و حمید نوری بعنوان دادیار زندان گوهردشت «رجایی شهر» یکی از مجریان این قتل عام بوده است. با محکومیت حمید نوری به حبس ابد، جنبش دادخواهی بر سکوی رفیعی ایستاده است. جهان اکنون صدای دادخواهی قتل عام شدگان، خانواده‌ها و بازماندگان آنان را پس از سی و چهار سال رساتر از همیشه می‌شنود. حقایق این قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را مردم ایران و خانواده‌های جانباختگان از همان زمان میدانستند و هزاران سند در مورد آنها منتشر شده است اما اهمیت محاکمه و محکومیت حمید نوری این است که اینبار این اسناد در یک پروسه شفاف حقوقی و در یک دادگاه رسمی و قانونی بدقت کالبدشکافی شده و بر مبنای آنها حکم صادر شده است.

محاکمه و محکومیت حمید نوری یک موفقیت درخشان برای جنبش



طلبانه سهیم می‌داند! بدون فعالیت سرنگونی طلبان برای کشاندن نوری به سوئد و فعالیت مستمر احزاب و سازمانهای سرنگونی طلب که جنایات جمهوری اسلامی را در طول چند ده سال گذشته در سطح بین‌المللی افشا کرده و خواهان دستگیری و محاکمه جنایتکاران حکومت اسلامی بوده‌اند، چنین دادگاهی نه شکل می‌گرفت و نه به چنین نتیجه‌ای منجر میشد.

جمهوری اسلامی را سرنگون میکنیم و همه سران جمهوری اسلامی را در مقابل چشمان مردم جهان به محاکمه خواهیم کشید. آن روز دور نیست!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیرماه ۱۴۰۱، ۱۴ جولای ۲۰۲۲

دادخواهی و آغازی بر محاکمه کلیه سران و کاربدستان جمهوری اسلامی و نقطه عطفی برای جنبش دادخواهی است. این موفقیت زمینه را برای بایکوت جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن مساعدتر و وحشت مقامات حکومت که جرات کنند پا به خارج کشور بگذارند را دوچندان کرد.

اینک جهان باید تکلیف خود را با روابط سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی، با اعضای هیئت مرگ آن و با کل این ماشین کشتار بیرحم و خونریز تعیین کند!

حزب کمونیست کارگری صمیمانه این پیروزی را به همه مردم مبارز ایران، به خانواده‌ها و بازماندگان هولوکاست اسلامی و جنبش عظیم دادخواهی تبریک می‌گوید و خود را در این جنبش حق

۲۰ نفر از کارگران اعتصابی مس سونگون دستگیر شدند

سرکوبگر رژیم در روز ۱۷ تیرماه به تجمع کارگران معدن مس سونگون در ورزقان، دستگیر کردند. در ادامه کارفرمایان و دولت شرط آزادی کارگران دستگیر شده را پایان دادن به اعتصاب اعلام کردند. نیروهای امنیتی بعد از پایان اعتصاب ۱۲ نفر دیگر از کارگران را دستگیر کردند. بدین ترتیب مجموعاً ۲۰ نفر از کارگران دستگیر شده‌اند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری دستگیری کارگران اعتصابی توسط نیروهای سرکوبگر را بشدت محکوم کرده و خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان است. اعتصاب و اعتراض حق مسلم کارگران است. حزب از کارگران کلیه مراکز کارگری در آذربایجان و در سراسر کشور، از تشکل‌های کارگری و همه تشکل‌های مردمی می‌خواهد در

۲ روز ago بدنبال اعتصاب بزرگ کارگران معدن مس سونگون در ورزقان، نیروهای امنیتی مجموعاً ۲۰ نفر از کارگران را بازداشت کرده‌اند. بازداشت ۱۲ نفر از کارگران پس از پایان اعتصاب هزاران کارگر این معدن انجام شده و چند نفر را نیز قبل از آن دستگیر کرده بودند. دستگیری‌ها با همکاری مدیریت مجتمع مس سونگون و شرکت‌های پیمانکاری انجام شده است. علاوه بر این بهنام زارعی، روزنامه‌نگار ساکن ورزقان، هم در ارتباط با اعتصاب پنج روزه کارگران و به خاطر شکایت مدیریت مجتمع سونگون بازداشت شده است.

لازم به توضیح است بیش از ۳۰۰۰ کارگر شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون از روز ۱۴ تا ۱۷ تیر دست به اعتصاب زده بودند. نیروهای



بر اساس آخرین گزارشات دستگیر شدگان به ۲۷ نفر رسیده‌اند. تمامی بازداشت شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

اعتصاب و تجمع و به هر شکل اعتراضی ممکن سرکوبگران را مجبور به آزادی همکاران خود کنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیر ۱۴۰۱

همستگی با کارگران معدن سونگون جمهوری اسلامی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران دستگیر شده بشوند.

کارگران مس سونگون میتوانند و این توانایی را دارند که با تمام قوا همراه با خانواده‌های کارگران سونگون و بویژه خانواده‌های کارگران دستگیر شده با



۲۱ تیر روز دور انداختن سراسری حجاب

پیاده روی های بیحجاب در سطح خیابانها.

هشتگ #حجاب_بی_حجاب داغ شد. پخش تراکت، دیوارنویسی و گرافیتی وسیع بود و شعارهایی مانند حجاب بی حجاب، نان، کار، آزادی پوشش اختیاری، حجاب مساوی است با خشونت علیه زنان بر در و دیوار شهرها نقش بست و تشکلهای گروههای مختلف اجتماعی از کارگران، فعالین دفاع از حقوق زن، رنگین کمانی ها و جمع هایی دیگر در بیانیه های جمعی یا جداگانه همبستگی خود را با کارزارحجاب بی حجاب اعلام داشتند.

ابعاد حجاب برگیران به حدی بود که مقامات متعددی به آن اذعان کردند. عضو کمیسیون داخلی مجلس گفت در حال حاضر که ما صحبت می کنیم می بینیم در برخی شهرها تعدادی از افراد کشف حجاب کرده اند و ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح گفت: بسیاری از زنان جامعه ما در عین اینکه مسلمان هستند نسبت به این موضوع ناآگاهانه اقدام می کنند. این یعنی اقرار به اینکه حتی زنانی که حکومت به آنها مسلمان میگوید نیز در زمینه حجاب در مقابل حکومت قرار گرفته اند و با حجاب اجباری مخالفند.

مقابله با طرح حکومت و دست زدن به حجاب برگیران در ۲۱ تیر کیفیت دیگری از مبارزه زنان را به نمایش گذاشت. زنان و مردان آزاده با کارزار حجاب بی حجاب با قدرت و در سطح سراسری به مصاف حکومت رفتند. حکومت که با طرح روز عفاف و حجاب قرار بود در برابر صفوف اعتراضات مردم، که خیابان را تسخیر کرده اند، عرض اندام کند، حکومتی که با قداره بندی و به میدان آوردن گشت های ارشاد و نیروهای متنوع سرکوب تصمیم داشت قدرت سرکوب خود را به نمایش بگذارد و با دستگیری های روزهای اخیر گمان میکرد میتواند روز عفاف و حجاب خود را در چشم جامعه فرو کند، درسی فراموش نشدنی از جنبش رهایی زن گرفت. از یک روز قبل زنان با روحیه و جسارت و شجاعت مثال زدنی وارد کارزار شدند و

مباررات ۴۳ ساله زنان علیه حکومتی که از اولین روز به قدرت رسیدن، خشونت بیرحمانه ای علیه زنان را شروع کرد و حجاب اسلامی را با پونز و اسید و زندان و شلاق به زنان تحمیل کرد، یکی از پرشورترین، اجتماعی ترین و سیاسی ترین جنبش های آزادیخواهانه در ایران بوده است. جنبشی که شکست پشت شکست به حکومت تحمیل کرد و قدم به قدم حکومت را عقب راند. روز ۲۱ تیر را حکومت بعنوان "روز عفاف و حجاب اسلامی" اعلام کرده بود و بویژه امسال توسط حکومت برجسته شد تا جلو پیشروی این جنبش را بگیرد و حجاب از دست رفته را بار دیگر رونق بخشد. اما این تلاش نیز مذبوحانه شکست خورد و به تعرض وسیع جنبش بی حجابی تبدیل شد.

در دهها شهر از جمله یاسوج و رودسر و قزوین و زاهدان و اردبیل تا اندیشمشک، سقز، اهواز، تهران، اصفهان، قم و مشهد، کرمانشاه، شیراز و بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ دیگر در اقصی نقاط کشور زنان شجاع حجاب هایشان را پرت کردند و یا شالشان را آتش زدند، فیلم گرفتند و در مدیای اجتماعی منتشر کردند. هنرمندانی در همراهی با زنان و علیه حجاب اسلامی کار هنری کردند و کلیپ ها و آهنگ ها و رپ خوانی های پرشور و رزمنده از مبارزات زنان ارائه دادند. مدیای اجتماعی نیز پر بود از زنان با انتشار عکسها و پخش کلیپ هایی از

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

ها تبلیغات شنیعی علیه زنان شروع کردند و تمام توان حکومت برای مقابله با بیحجابی بکار انداخته شد. اما در همین روزها مردم زنان بیحجاب را از دست ماموران گشت ارشاد نجات دادند. همزمان با تحرک گسترده در داخل کشور، فعالین حزب کمونیست کارگری در خارج کشور نیز در شهرهای متعددی در حمایت از کارزار حجاب بی حجاب به خیابان آمده و همراهی خود را با این کارزار اعلام کردند.

حزب کمونیست کارگری به تمامی زنان شجاعی که در مقابل چشمان سرکوبگران حکومت در سراسر کشور حجاب این سمبل بردگی و بیحقوقی را پرت کردند و به مردان آزاده ای که در کارزار حجاب بی حجاب شرکت کردند درود میفرستد. جنبش رهایی زن ریشه های خود را همه جا گسترانیده و چنان ابعاد توده ای و قدرتمند بخود گرفته که هر روز دست به تعرض تازه ای میزند و با هیچ نیرویی قابل توقف نیست. ۲۱ تیر نشان داد که انقلاب عظیمی که در راه است انقلابی زنانه است و این یک نقطه قوت مهم انقلاب آتی در ایران است.

زنده باد جنبش رهایی زن

زنده باد بیحجابی

زنده باد انقلاب زنانه

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیر ۱۴۰۱، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲

حکومت در مانده تر از قبل نظاره گر زنانی شد که حجاب از سر گرفته و ماتوهایشان را هم به کناری انداختند.

عکس العمل رهگذران نیز بسیار جالب بود. مردم فعالانه از زنان بی حجاب حمایت میکردند و با درود و آفرین و تشویق و بوق زدن های حمایتی و تعارف میوه و شیرینی زنانی را که حجاب برمیگرفتند تشویق میکردند و با این حمایت ها این پیام را به حکومت دادند که جنبش زنان امروز کوبنده تر و رزمنده تر از همیشه از حمایت جامعه برخوردار است و خدای دهه شصت زیر قدمهای زنان بیحجاب به فنا رفته است.

بدین ترتیب در روز عفاف و حجاب اسلامی جنبش قدرتمند رهایی زن ضربه دیگری به حکومت و حجاب اسلامی زد و روز ۲۱ تیر را به روز دیگری در تقویم روزهای سرنگونی حکومت آپارتاید جنسیتی تبدیل کرد.

کارزار حجاب بی حجاب تکثیر دختران خیابان انقلاب، ادامه هشت مارس های باشکوه و ادامه جنبش آبان بود. این تا همین جا یک پیشروی بزرگ در جنبش سرنگونی بود.

حجاب برگیران در روز ۲۱ تیر و روزهای قبل از آن در حالی اوج گرفت که از هفته ها قبل کل دم و دستگاه حکومت تبلیغات وسیعی را علیه بی حجابی شروع کرده و انواع تهمت ها و فحاشی ها را علیه زنان بی حجاب بکار گرفتند. امام جمعه ها بسیج شدند، نیروهای سرکوب و گشت های ارشاد وسیعتر به خیابان آمدند، رسانه

یاشار سهندی

جنبش بازنشستگان، ویژگی‌ها و دستاوردها



هیچ بازنشسته‌ای، در هیچ کجای ایران، امکان برگزاری یک جلسه جمعی یا مجمع عمومی را ندارد. با این وجود اما با یک تصمیم دسته جمعی، برای ساعتی، بخشی از شهر را به اشغال خود در می‌آوردند؛ که بی شک در شهرهای کوچک همه شهر را تحت تاثیر اقدام خود قرار می‌دهند. به واقع این تجمعات اعتراضی به نوعی مجمع عمومی کارگران هم هست. و در آنها کسانی فرصت می‌یابند و سخنرانی کوتاهی می‌کنند و پیشنهادهایی هم مطرح می‌کنند و در همان کف خیابان تصمیم خود را با شعار "فردا، همین ساعت همین جا" یا "تا حق خود بگیریم هر روز همین بساطه" را سر می‌دهند و این دومی تهدید حکومت هم هست و در عین حال تصمیم جمعی است که به صورت جمعی بیان میشود.

بازنشستگان، عملاً همراه با کارگران هفت تپه درب تشکیلات سیاه خانه کارگر به اسم کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی را گل گرفتند. جز و فرع کردن چاقو کشان اسلامی که بازنشستگان محترم صبر داشته باشند، شکایت پیش داروغه بردیم، جواب ندادند. خودمان به خیابان می‌آیم! هیچ بازنشسته‌ای را نه قانع میکند و نه اساساً به آن توجه میکند. حامیان ظاهرالصلاح این تشکیلات که به شدت دلخور وجود کانالهای تلگرامی بازنشستگان هستند و مدعی اند دنبالچه خانه کارگر را باید تقویت کرد(!) مجبور شده اند که ساکت شوند و یک گوشه‌ای شاهد قدرت جنبش بازنشستگان باشند.

این جنبش چنان قدرتمند شده است که اکنون در نبردی نابرابر به مصاف نیروی سرکوبگری می‌رود که به آنها فرمان داده شده بی محابا شلیک کنند. اما مواردی دیده شده که پلیس برای دستگیری هجوم آورده اما بازنشستگان فرد بازداشتی را از

بازنشستگان نمایانگر بخشی از خودآگاهی کارگران است. وقتی شعار "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در راه آزادی"، شعاری که یادآور انقلاب سال ۵۷؛ را دگرگون کرده و با این پیوند جدید "مرگ بر این بردگی مرگ بر این بندگی" سر می‌دهند و با این پیوند به واقع معنی واقعی تر و طبقاتی تری به آن بخشیده اند. این پیوند تنها از سر ذوق و ابتکار شخصی نیست بلکه بخش تکمیلی این شعار است و بر نکته درستی انگشت می‌گذارد. با این سرود جنبش بازنشستگان دارد می‌گوید همه عمر به بردگی کشیده شده اند تا جیب نجومی بگیران پر شود، اکنون به صراحت معترض نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم هستند.

این جنبش جدا از مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد و معدن سونگون و دیگر بخشهای طبقه کارگر نیست. در عین حال دارد تاکید میکند دایره مبارزه کارگر محدود به محدوده کارخانه نیست و فقط به عمر کاری کارگر هم محدود نمی‌شود. این جنبش به کارگران شاغل هم دارد نشان می‌دهد که تنها با یک کارفرمای معین سروکار ندارند بلکه کل حاکمیت علیه طبقه کارگر است.

یکی از نکات مهم که باید بر آن انگشت گذارد این است که مبارزات کارگران بازنشسته سازمان یافته و هماهنگ است. حضور در ساعت معین، در مکان معین و با شعارهای معین، در شهرهای مختلف نشان از یک سازمان دهی صحیح مبارزات دارد که به یمن ابزارهای مدرن؛ ماهواره، اینترنت و کانالهای اجتماعی ممکن شده است. بازنشستگان به معنای واقعی کلمه از این ابزار بهترین استفاده را می‌برند.

از کانون دولتی بازنشستگان که دنبالچه خانه کارگر است و محل تجمع مزدوران سرمایه است که بگذریم و باید بگذریم؛

اعتراضات آنها به صراحت علیه کل حاکمیت سرمایه اسلامی در ایران است. این بخش از کارگران دیروز (با میانگین سنی ۶۳ تا ۶۵ سال) و بقول خودشان "معترضان امروز" به واقع نه تنها آگاه شده اند که حق تنها با اتحاد و در کف خیابان بدست می‌آید، بلکه بعد از یک عمر استعمار در شعارهای اعتراضی شان به نقش خود در تولید و اجتماع اینگونه تاکید میکنند: "سی سال کار کردیم، اختلاس که نکردیم" یا "سی سال پس انداز کردیم اختلاس نکردیم" یا "شرم کنید حیا کنید سهم ما را ادا کنید" یا "حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز" و فراتر رفته و به عنوان نماینده کل جامعه شعار می‌دهند: "حقوق ملت زیر عباس است امروز". بازنشستگان با این شعارها نشان می‌دهند که بیش از گذشته به نقش خود در جامعه پی برده اند و متوجه هستند که نتیجه دسترنج آنها توسط چه کسانی غارت شده است و به همین خاطر است که متحدانه تر حضور پیدا می‌کنند.

دیده میشود که بعضاً نمادهای مذهبی مانند کفن پوشیدن، یا پرچم های یا حسین بدست گرفتن و یا اینکه فردی در گوشه ای حجت ابن الحسن، یا خود امام حسین را صدا می‌زنند(!) در همچین مواقعی، بحث گرایشات مختلف در جنبش کارگری اعتبار چندانی ندارد. بلکه اینها تنها نشانه نفوذ اندیشه های حاکم بر افراد است. حتی اگر از دریچه بحث گرایشات حاکم بر جنبش کارگری به قضیه نگاه کنیم، این گرایشات با توجه به جنبش عظیم ضد مذهبی در جامعه دیگر از قدرتی برخوردار نیستند که بتوانند بر جنبش بازنشستگان و جنبش های اجتماعی در جامعه تاثیر داشته باشند. در تجمعاتی که در بطن یک جنبش اجتماعی وسیعتر سرنگونی طلبی علیه رژیم اسلامی سرمایه شکل گرفته، این شعارها و اقدامات یا محو میشوند یا به چشم نمی‌آیند. (بگذریم که بخشی از این اقدامات میتواند کوشش نیروهای امنیتی باشد.)

نکته دیگر اینکه دیگر بحث جنبش کارگری در ایران، در محدوده اعتراضات شاغلین محصور نمانده است. جنبش

در ۲۵ تیر، در بیش از ۲۰ شهر ایران، بار دیگر بازنشستگان در کف خیابان پیگیر خواسته های خود شدند. در این روز بازنشستگان در چند ساعت حضور شان در اوج گرمای تابستان در کف خیابان، در برخی از شهرها (مانند شهرهای استان خوزستان) به معنی واقعی طاقت فرسا، یک نفس شعار دادند و دست به راهپیمایی زدند.

۴ ماه از اول سال گذشته است و رژیم اسلامی سرمایه به شیوه همیشگی خود، با وقت کشی، وعده وعیده های توخالی سعی میکند بازنشستگان را دست به سر کند و آنها را از نفس بیندازد، تا خسته شوند و پیگیر مطالباتشان را فراموش کنند. اما درست عکس انتظار جمهوری اسلامی دامنه اعتراضات بازنشستگان گسترده تر شده است. در روز ۲۵ تیر جاهایی حضور پر تعداد نیروهای سرکوبگر مانع شکل گیری تجمعات شده است، اما بازنشستگان در شهرهای دیگر جبران مافات کردند و در کف خیابان علیه کل حاکمیت شعار دادند.

جنبش بازنشستگان کارگران ایران، جنبشی منحصر بفرد در تاریخ جنبش کارگری جهان است که در بطن مبارزات اعتراضی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران شکل گرفته و قوام یافته است. این جنبش بر سر خواسته ای "صنفي"، اگر بشود چنین توصیف کرد، شکل گرفته است. اما این جنبشی صنفي نیست، چون مسئله وخامت معیشت و زندگی مساله همه کارگران بازنشسته در هر صنفي (کارگران شرکتی بزرگ، کارگران کارگاههای کوچک، معدن چیان، و کارگران ساختمانی...) و هر کاری که مشغول به آن بوده اند، و مساله همه مردم است.

اعتراض به این وضعیت به مساله سیاست روز کل جامعه تبدیل شده است و جنبش بازنشستگان مربوط به کل طبقه کارگر و همه مردم است. کارگر بازنشسته دیگر خود را طرف یک کارفرمای خاص نمی‌بیند بلکه خود را مستقیماً طرف دولت سرمایه داران می‌بیند، حتی برای خواستی که صنفي شناخته میشود، خواست افزایش حقوق ها. بدین خاطر بیشترین شعارها در

انعکاس محکومیت حمید نوری جنایتکار و مدیای اجتماعی



دور کرده و حکم اعدام را به مثابه قتل عمد دولتی برای همیشه از قوانین مجازات حذف نماید.

تبریک به مادران دادخواه کارگران و زحمتکشان... زندانیان سیاسی و انسانیهای آزاده

صدر حکم دادگاه سوئد؛
#حمید_نوری متهم به مشارکت در اعدام‌های ۶۷ به حبس ابد محکوم شد
حمید نوری متهم به مشارکت در اعدام‌های سال ۶۷ با حکم دادگاه سوئد به حبس ابد محکوم شد.

دادستانی سوئد پیشتر برای حمید نوری، دادیار اسبق قوه قضاییه ایران، به اتهام «جنایت علیه بشریت» و «قتل عمد» تقاضای حبس ابد کرده بود.
#کشتار_۶۷ #دادخواهی ندای زنان ایران

(سیاسی و غیر سیاسی)، اهمیت این دادگاه و صدور حکم را در ابعاد بزرگتری مورد توجه قرار می‌دهد.

حمید نوری در چارچوب یک دستگاه سیاسی سرکوب بدون رعایت حداقل‌ترین موازین حقوقی و در پوشش سیستم قضایی، دور از چشم جامعه و مخفیانه همراه با شرکایش توانستند مخالفین را به قصد سرکوب و عقب راندن یک جامعه انقلابی خواهان تحول، به هر بهانه ای بدون دادگاه‌های علنی و عادلانه سر به نیست نمایند.

دلیل وقوع این فاجعه دقیقاً از یک نقطه تیره و تاریک می‌گیرد و آنهم قانونی کردن مجازات اعدام است! سالهاست که جامعه منع مجازات اعدام را مطالبه و فریاد می‌زنند.

اما حکومت با سماجت بر اجرای این مجازات غیر انسانی که در اکثریت جوامع در جهان لغو شده اصرار می‌ورزد، در نتیجه حمید نوری‌ها تکثیر شده و خانواده‌های بیشتری را داغدار و پیکره جامعه را زخمی تر میکند.

جامعه متحد و پیشرو خواهد توانست این ابزار خشونت را از دسترس حکومت

شجاعانه تا پای جان بی نظیر ایستادند. و این جنات کاران عزیزان ما را سر به دار و زیر خروارها خاک در خاوران نه می‌بخشیم نه فراموش میکنیم منصوره بهکیش-۲۳ تیر ۱۴۰۱

محاکمه حمید نوری، نوری بر تاریکخانه یک دهه خونین

حمید نوری به جرم مشارکت در قتل‌های دهه ۶۰ در دادگاه سوئد به حبس ابد محکوم شد.

در تاریخ ایران این اولین بار است که یک مقام حکومتی در خارج از کشور در یک دادگاه علنی با موازین حقوقی محکوم میشود و این نتیجه تلاش بیش از ۳۰ سال خانواده‌های اعدام شدگان و آزادیخواهان میباشد.

یکی از نتایج این محاکمه میتواند جلوگیری از استرداد مجرمین به حکومت هانیز باشد.

اینکه حکم اعدام هنوز در ایران جاریست و اینکه در چندماه گذشته تعداد افرادی که به طناب دار سپرده شدند بیسابقه بوده است و زندانیان زیادی در نوبت این حکم غیر انسانی هستند

بخشی از پیام تبریک

منصوره بهکیش به حکم دادگاه استکھلم حمید نوری:

شادباش به مادران و خانواده‌های خاوران و جنبش دادخواهی مردم ایران!

حمید نوری به جرم مشارکت در جنایت جنگی و قتل عمد برای کشتار زندانیان سیاسی مجاهد و زندانیان سیاسی چپ در کشتار بزرگ زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، به حبس ابد محکوم شد.

شادمانی عمیق خودم را به مادران و خانواده‌های خاوران که ۴۰ است برای کشف حقیقت و دادخواهی شجاعانه، پیگیر و پایدار ایستاده‌اند.

شادباش به تمامی شاهدان و شاکیان که در محاکمه حمید نوری در دادگاه استکھلم مشارکت کردند.

...هرچند دلم می‌خواست این پرونده با اتهام "جنایت علیه بشریت" باز شود، ولی خوشحالم که حمید نوری با همین اتهام‌ها نیز مجرم شناخته شد و حبس ابد گرفت.

...درود به تمام آن جان‌های شیفته که برای دفاع از عقاید خود برای کسب آزادی، برابری و عدالت اجتماعی

جنبش بازنشستگان، ویژگی‌ها و ...

از صفحه ۱۳

عمرشان با بهره‌کشی برای سود سرمایه دار به هدر رفته است، می‌یابد.

تنها نقطه ضعف اعتراضات جاری، که مختص جنبش بازنشستگان هم نیست عدم پیوند خوردن مبارزات جاری بخش‌های مختلف جامعه است. شعارهایی که بعضاً در اتحاد معلم و بازنشسته داده میشود باید پررنگتر و هماهنگ‌تر و گسترده‌تر شود. همه جنبش‌های اعتراضی باید همدیگر را به پشتیبانی از یکدیگر فرا بخوانند. و این قدم آخر برای دگرگون کردن اوضاع حاکم و سرنگونی جمهوری اسلامی است. در واقع جنبش بازنشستگان می‌تواند موجب شکل‌گیری اتحاد طبقاتی شود که این خود در عین حال سد محکمی در برابر همه آلترناتیوهای بورژوازی از هر قماش است.

چنگ پلیس بیرون کشیده‌اند. مانند نمونه اصفهان. یا شاهد بودیم که چگونه بازنشستگان در تبریز صفوف سرکوبگران را از هم شکافتند و به تظاهرات خود ادامه دادند. بنابه گزارشات در کرج نیز در ۲۵ تیر ماه، بازنشستگان با هجوم به پلیس و پایداری در محل مانع ربودن بازنشسته‌ای معترض شدند.

امام جمعه هشترود در بحث مبارزه با بی‌حجابی معترف شده بود که با "گارد اجتماعی" روبرو هستیم که مانع بازداشت فرد بی‌حجاب میشوند. این پدیده را در میان بازنشستگان و در تجمعات اعتراضی شان میتوان دید و همه این قدرت‌نمایی به این خاطر ممکن شده است که بازنشسته، خود را اکنون در کف خیابان در همیاری و همبستگی با همکاری می‌بیند که نمیداند کجا کار می‌کرده، ولی میداند که همه

تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات استان خراسان شمالی

روز ۲۶ تیر کارکنان مخابرات استان خراسان شمالی در اعتراض به برخی تعرضات معیشتی بار دیگر دست به تجمع زدند.



جان شهابی وسعیدی در خطر است



۳۴ روز و ۲۵ روز از اعتصاب غذای رضاشهابی و حسن سعیدی دوفعال سندیکایی در بند گذشت

رضا شهابی و حسن سعیدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

حمید نوری



محکومیت یکی از شکنجه گران حکومت اسلامی به حبس ابد در سوئد

محکومیت یکی از شکنجه گران حکومت اسلامی به حبس ابد در سوئد

حمید نوری، یکی از شکنجه گران و مقامات جنایتکار رژیم اسلامی ایران، در تاریخ ۱۲ ژوئیه در دادگاهی در استکهلم سوئد به دلیل شکنجه و جنایات جنگی علیه زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت کرج در دهه شصت، به حبس ابد محکوم شد. دادگاه حمید نوری به یک دادگاه مردمی علیه کل جمهوری اسلامی تبدیل گردید و شاهدان بسیاری از جنایات فجیع و تکان دهنده حکومت در زندانها پرده برداشتند. حمید نوری یکی از کاربدستان حکومت در این زندان بوده و نقش مستقیمی در شکنجه و اعدام بسیاری از زندانیان ایفا کرده است. محاکمه و محکومیت حمید نوری پیروزی بزرگی برای کارگران و مردم و آزادی خواهان در ایران است.

رژیم اسلامی از زمان روی کار آمدنش در سال ۵۷ با دستگیری ها و اعدام های وسیع و دسته جمعی تلاش کرد پایه های خود را محکم کند. یک قتل عام توسط "کمیته مرگ" حکومت که ابراهیم رئیسی رئیس جمهور فعلی یکی از سه عضو آن بود در زندان ها به جریان افتاد. آنها در سال ۶۷ در طول چند ماه هزاران زندانی را به قتل رساندند. سرکوب خونینی علیه کل جامعه ای که تازه دیکتاتوری شاه را سرنگون کرده بود در این سال های سیاه انجام شد. این یکی از بزرگترین نسل کشی های تاریخ بشر است که هیچگاه فراموش نخواهد شد. در این نسل کشی هزاران نفر از کارگران، دانش آموزان، معلمان، زنان و اقشار مختلف جامعه به طرز وحشیانه ای شکنجه شدند و به جوخه های اعدام سپرده شدند. بسیاری از این قربانیان به طور فله ای در خیابان ها دستگیر شدند و صدها نفر از آنها قبلاً به چند سال محکوم شده بودند و

دوران محکومیت خود را طی میکردند. شمار زیادی از آنها حتی دوره محکومیشان تمام شده بود و منتظر آزادی بودند. محاکمه و محکومیت حمید نوری محاکمه کل نظام کشتار و نسل کشی رژیم اسلامی ایران است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) از محکومیت حمید نوری استقبال می کند و آن را پیروزی بزرگی برای کارگران و کل جامعه و گامی رو به جلو برای سرنگونی کل رژیم جنایتکار حاکم اسلامی می داند. مقامات و رهبران این رژیم وحشی و

غافل از اینکه زنان در بیش از چهار دهه بصورت عینی و عملی حجاب اجباری را از موضوعیت انداخته اند. سالهاست زنان به پیشگامان هر جنبش مطالباتی در سطح جامعه بدل شده و حضورشان نقطه قوت هر حرکت

اگر این تناقضات و دروغگویی در هر سیستم حکومتی دیگری مشاهده میشد، طوفان سیاسی همه شان را یک شبه می برد!

وزیر نفت با افتخار از رشد فروش نفت و پر کردن خزانه و بازگشت تمامی پولها به خزانه سخن می گوید! از طرف دیگر دولت میگوید در پرداخت هایش مشکل دارد و افزایش تحقیر آمیز ده درصدی را به کارکنان شاغل و بازنشسته کشوری تحمیل کرده است. حتی علیرغم بی ارتباطی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به دولت، اما ماههاست بر سر افزایش حقوق این بازنشستگان در سطوح غیرحداقل بگیر با مجلس و بازنشستگان درگیر است و امروز فردا می کند. دولت علیرغم تورم بالای صد درصد با قیافه حق به جانب از کسری بودجه

اعتراضی است. از جنبش دادخواهی گرفته تا جنبش های معیشتی و اجتماعی. جنبش زنان توقع و مطالبات جامعه را بالا برده و بازگشت به گذشته دیگر مقدر نیست. شورای بازنشستگان برگرفته از مدیای اجتماعی

حرف می زند و کارمندان و بازنشستگان را به افزایش ۱۰ درصدی حواله میدهد!! ما که تکلیف خودمان را با اینها مشخص کرده ایم. می دانیم دستشان در جیب مردم است. از نفت و گاز و زمین و کوه و آب تا غارت نیروی انسانیمان. همیشه هم ثروت دارند و خوب هم دارند در حد فوق لاکچری. پس با این نمایشات مسخره فقط خودشان را فریب میدهند و بس.

#دیگه_تمومه_ماجرا
شورای بازنشستگان ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی

حمله به زنان ، هجوم به تمام جامعه است

حکومت ناتوان از پاسخگویی به مطالبات مردم در مقابل اعتراضات هر روزه اقشار مختلف جامعه قرار گرفته و تجمعات مردمی بی وقفه ادامه دارد. در چنین شرایطی حکومت به رویکرد همیشگی اش یعنی سرکوب متوسل شده است.

میخواد جامعه ملتهد و تعرضی را به عقب براند، جامعه باید تمکین کند، اما تمکین چنین جامعه معترض و مطالبه گری که شعار «دیگه تمومه ماجرا» را در خیابان اعلام کرده اگر نگوییم غیرممکن اما بسیار مشکل شده است.

حکومت رویکرد خود در ساکت کردن و به عقب راندن جامعه را از مسیر تعرض و عقب راندن زنان میبیند، حکومت میپندارد که اگر نیمی از جامعه را به تمکین و اادار فضای ایجاد شده به کل جامعه تسری یافته و قدرقدرتی حاکمیت را به رخ مردم می کشاند.

موج جدید هجوم برنامه ریزی شده علیه زنان سناریوی هجوم به همه مردم

مطالبه گر معترض است. مبارزه با بی حجابی بهانه ای برای تعرض به کل جامعه است. حکومتی که بشدت از طرف مردم تحت فشار است و موجودیت خود را در خطر میبیند با توسل به ابزار حجاب و عفاف و تعرض به حقوق زنان دنبال عقب راندن این فشار خردکننده بر خود و جلوگیری از شکاف بیشتر درون صفوفش می باشد.

در نتیجه با سناریوی حجاب و عفاف از طریق زور و سرکوب به کل جامعه حمله میکند.

مقاومت و مقابله با این ترفند نه فقط وظیفه زنان بلکه وظیفه کل جامعه است. این هجوم صرفاً ماهیت جنسیتی نداشته بلکه عقب راندن تمام جنبش های اجتماعی مطالبه گر را هدف قرار داده است.

حکومت به فضای تمکین جامعه بشدت نیاز دارد و به زعم خود از حلقه ضعیف جنبش زنان شروع کرده است.



به بازداشت اعضای خانواده دادخواه وسیعا اعتراض کنید!

روز دوشنبه ۲۰ تیر نیروهای امنیتی رژیم اسلامی با حمله به چندین خانه، شماری از اعضای خانواده‌های دادخواه را دستگیر کردند. اسامی خانواده‌هایی که دستگیر شده‌اند بدین قرار است: ناهید شیرپیشه و مهرداد بختیاری، مادر و عموی پویا بختیاری، محبوبه رضانی مادر پژمان قلیپور، سعید دامور بردار وحید دامور، رحیمه یوسف زاده، مادر نوید بهبودی، ایران الله یاری مادر مهران معین فر، سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار، سمیه جعفرپناه خواهر محسن جعفرپناه.

این افراد همه از اعضای خانواده‌های جانباختگان آبان ۹۸ هستند که در جریان اعتراضات این سال توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی با نسبت دادن اتهامات دروغین و ساختگی نظیر "ارتباط با سرویس

جاسوسی بیگانه" در حال پرونده سازی امنیتی برای دستگیر شدگان است. ولی همه می‌دانند که خانواده‌های آسانی جرمی جز دادخواهی عزیزانشان نکرده‌اند. جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانست صدای این خانواده‌های دادخواه را خاموش کند و آنها به مبارزه و اعتراض خود برای محاکمه آمرین و عاملین قتل عزیزانشان ادامه داده و می‌دهند. دستگیری این خانواده‌ها تنها نشانه وحشت رژیم جنایتکار اسلامی از وسعت گرفتن اعتراضاتی است که خانواده‌های دادخواه در صف مقدم آن قرار دارند و کل این نظام کثیف اسلامی را نشانه گرفته است. کمیته بین‌المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی ضمن محکوم کردن قاطعانه این دستگیریها همگان را فرا می‌خوانند نسبت به بازداشت خانواده‌های

دادخواه وسیعا اعتراض کنند و برای آزادی فوری همه آنها دست به کار شوند. این یورش جمهوری اسلامی نیز باید همچون خشم و اعتراض عمومی علیه دستگیریهای وسیع اخیر به ضد خودش تبدیل شود و رژیم اسلامی را در منگنه بیشتری قرار دهد. مردم ایران تصمیم خود را گرفته‌اند و به چیزی کمتر از سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی و محاکمه سران و کاربدستان این رژیم که مسئول

جانایات چهار دهه گذشته هستند، راضی نمی‌شوند. خانواده‌های دادخواه و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمیته بین‌المللی علیه اعدام
کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۲ - ۲۰ تیر ۱۴۰۱

بیانیه کانون نویسندگان ایران در اعتراض به موج اخیر سرکوب‌ها

در ادامه‌ی سرکوب فزاینده‌ی ماه‌های اخیر و چند روز پس از بازداشت #محمدرسول‌اف و #مصطفی‌آل‌احمد، خیر می‌رسد به خانه‌ی دادخواهان آبان نیز هجوم برده‌اند. در گیرودار این یورش‌ها، خیرگزاری‌های حکومت نیز همچون همیشه دست به کار انتشار اخبار جعلی شده‌اند و در اتهام‌زنی و پرونده‌سازی کم نمی‌گذارند.

روز جمعه ۱۷ تیرماه، ماموران امنیتی با هجوم به خانه‌ی محمد رسول‌اف و مصطفی‌آل‌احمد، این دو کارگردان سینما را بازداشت و خانه‌ی آن‌ها را تفتیش کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی بی‌درنگ اتهام‌های «ارتباط با ضد انقلاب»، «التهاب آفرینی» و «برهم زدن امنیت روانی جامعه» را به رسول‌اف و آل‌احمد وارد کرد. این یورش، اعتراض گسترده‌ی نویسندگان، هنرمندان و عموم مردم را در پی داشت. بیستم تیرماه، جعفر پناهی که برای پیگیری وضعیت این دو کارگردان مقابل زندان اوین بود، به طومار بلند بازداشت‌شدگان چند ماه اخیر افزوده شد و ساعاتی پس از آن ده‌ها مامور امنیتی

به جان خانواده‌ی ستم‌کشگان آبان ۹۸ افتادند و #ناهیدشیرپیشه، #مهردادبختیاری، #محبوبه_رضانی، #سعیددامور، #رحیمه_یوسف‌زاده، #سکینه_احمدی، #ایران_الهیاری و #سمیه_جعفرپناه را بازداشت کردند. در این چند ماه فشار سازمان‌یافته‌ی حاکمیت بر نویسندگان، هنرمندان و فعالان صنفی و مدنی بی‌وقفه ادامه داشته است. بسیاری در سلول‌های انفرادی محبوس شده‌اند، بسیاری در بازداشت‌نهادهای امنیتی به سر می‌برند و هر روز اخبار نگران‌کننده‌ای از وضعیت زندانیان و تداوم اعتصاب غذای آنان منتشر می‌شود.

در شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی، در میان اخباری که هر دم از ویرانی‌های حکومت‌ساخته به گوش می‌رسد و در کوران اعتراض‌های مردم، حاکمیت همچون گذشته، این بار هم بنا را بر گسترش بیدادگری گذاشته است و فشار بر معترضان را افزوده است. ماموران به خانه‌های نویسندگان، هنرمندان و فعالان مدنی هجوم می‌برند و پرونده می‌سازند؛ به جان دادخواهان می‌افتند، درها را

می‌شکنند و انسان‌ها را می‌ربایند؛ به تجمع کارگران، بازنشستگان و معلمان یورش می‌برند و به بند می‌کشند، و به نام «پلیس امنیت اخلاقی» (به سرکوب آزادی زنان ادامه می‌دهند؛ اینچنین حلقه‌ی ۴ دهه اختناق را بیش از پیش تنگ می‌کنند، به گونه‌ای که حتی کارگزاران پیشین خود را نیز بی‌نصیب نمی‌گذارند. شیوه‌ی حاکمیت پوشاندن ستم با ستم است و بر فشار این اختناق افسارگسیخته در حالی افزوده می‌شود که فساد سازمان‌یافته، سایه‌ی شوم فلاکت و نیستی را بر زندگی مردم گسترده است.

معاون رئیس‌جمهور حکومت می‌گوید «اگر به #خواست_بازنشستگان تن بدهیم دیگران هم مدعی می‌شوند.» او از اختناق روزافزون خیر می‌دهد و از هراس حاکمیت. بار دیگر فرمان سرکوب «دیگران» و دیگراندیشان صادر شده است؛ فرمان سرکوب مردمی که در اعتراض به فقر، تورم و گرانی کمرشکن هم‌صدا شده‌اند؛ مردمی هم‌پستی دردهای مشترک که دوشادوش هم ایستاده‌اند و حقشان را می‌خواهند. اکنون

هر روز بر شمار این مردم به‌جان‌آمده از تباهی افزوده می‌شود و پایه‌های این پایداری را مستحکم‌تر می‌کند. هر روز صدای اعتراض نویسندگان و هنرمندان معترض بلندتر می‌شود و صافی به صفوف ایستادگی کارگران و معلمان می‌پیوندد. هر روز زنان بیشتری هم‌پیمان می‌شوند، فریاد آزادی‌خواهی سر می‌دهند و سد استبداد و ارتجاع را در هم می‌شکنند. اکنون دیگر مردمان دادخواه، مردمان این ماه و آن ماه نیستند، مردمان هم‌صدا و خروشان سالیان‌اند. در این سالیان، گرچه سرکوب حکومت بی‌وقفه در کار بوده است، اما همواره بوده‌اند آزادی‌خواهانی که دم فرونبسته‌اند، پا پس نکشیده‌اند و دریچه‌هایی رو به آزادی گشوده‌اند.

کانون نویسندگان ایران همراه این پایداری و ایستادگی، سرکوب سازمان‌یافته از سوی حاکمیت را محکوم می‌کند، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان اخیر و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است و از آزادی‌خواهان سراسر جهان می‌خواهد صدای رسای اعتراض به این سرکوب‌ها باشند.

کانون نویسندگان ایران

۲۲ تیر ۱۴۰۱